

آزموده را آزمودن خطاست!

سی سال از کودتای شوم ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ می‌گذرد - کودتایی که به استقرار رژیم خودکامه ترور و اختلاس در میهن بلاکتید ه فامنجر گردید - کودتای ۲۸ مرداد که به اعتراف دوست و دشمن توسط " سیا " و " انتلیجنس سرویس " مطرح ریخته و بدست جاسوسان ریز و درشت آمریکائی و بریتانیایی و عمال و دست نشانندگان ایرانی آنلن بموقع اجرا گذارده شده طی ربع قرن کشور ما را بعرصه غارت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم یانکی مبدل ساخت - دربارہ کودتای ۲۸ مرداد کتابها و رساله های بسیار نگاشته و تحلیلی های گوناگونی ارائه شده است - آنچه در این نوشته ها جلب نظر می‌کند، شیوه و روش بکار گرفته شده از جانب امپریالیسم در مبارزه علیه نهضت های زهائی بخش ملی است - اکنون دیگر هیچ کس تردید ندارد، که سناریوی " خطر کمونیسم " ساخته و پرداخته " سیا " و " انتلیجنس سرویس " هسته مرکزی تدارک کودتا و پی ستون سرکوب نهضت ضد امپریالیستی مردم ایران را در جریان مبارزه در راه ملی کردن صنایع نفت تشکیل می‌داد .

تکبیر این جنبه موضوع در شرایط مشخص کنونی حائز اهمیت فراوانی است - زیرا آنچه در حال حاضر در کشور ما می‌گذرد، از برخی جهات تشابه و همگونی خارق العاده ای با رویداد های سی سال پیش دارد - البته تاریخ با همه جزئیات

بقیه در صفحه ۴

راه توده

شهره مازلان سریتوده ایران در تلخ از کشور

جمعه ۲۱ مرداد ۱۳۲۲ مطابق ۲۹ شوال ۱۴۰۳ و ۱۱ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ سال دوم، شماره ۵۴ به شماره ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

چرا اعضای "باند سیاه" و حامیان آنها معرفی نمی‌کنند؟

۱۹ تیر ماه رسانه های گروهی صاحب سه نخست وزیر را با خبرنگار " واحد مرکزی خبر " پیرامون وضع اقتصادی کشور منتشر ساختند - یکی از مسائل مطروحه در صحابه احتکار و گران - فروشی است - آقای موسوی با اشاره به وجود " باند سیاه سیاسی و اقتصادی " در بازار گفت :

" اینها کسانی هستند که برای منافع خود حاضرند همه چیز را آلوده کنند، همه چیز را از بین ببرند . این ها وقتی صحبت از شع می‌کنند، دنبال شری هستند، که دزد بیها و تخلفات ایشان را ببوشاند . آنها اگر دم از حمایت روحانیت می‌زنند، دنبال روحانیتی هستند، که جواز اباخه به احتکار و گران فروشی و فساد این ها بدهد"

این اظهار نظر نخست وزیر جالب است - جالب است، زیرا پس از چهار سال و اندی، وی حداقل بوجود " باند سیاه سیاسی و اقتصادی " و روحانیون حامی آن در جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند - می‌گوئیم حداقل، برای اینکه آقای موسوی نیز مانند دیگر همکارانش حقیقت را نیمه تمام می‌گوید - ما برآنیم، که حقیقت را نباید کلی مطرح کرد - حقیقت مشخص است و باید آنها چنانکه هست با جزئیات فاش ساخت و در معرض قضاوت توده های زحمتکش قرار داد - حزب توده، ایران از نخستین روز تشکیل خود با پیگیری از این اصل پیروی کرده و می‌کند -

بقیه در صفحه ۸

رفیق ریاحی در زندان شهید شد

خاطر دفاع از انقلاب، " پاکسازی " شد - رفیق ریاحی به هنگام شهادت ۳۰ ساله بود - " راه توده " شهادت رفیق اسدالله ریاحی را به همسو دیگر بازماندگان او و رفقای همزمش تسلیت می‌گوید -

قتل رفیق ریاحی، یکی دیگر از ددمنشس های " ساواک " در " خدمت " ج . ا . ا . است و تنگی برای زمامداران کنونی به شمار می‌رود - این جنایت بار دیگر تصریح می‌کند که باید همه توان خود را برای رهایی زندانیان توده های از اسارت عمال امپریالیسم و ارتجاع بکار ببریم -

بنا به گزارشی که از ایران به " راه توده " رسیده است - زندانیان جمهوری اسلامی رفیق اسدالله ریاحی، یکی از اعضای حزب توده، ایران در شهر کرد را به قتل رساند ماید - رفیق شهید ریاحی که در رشته " جامعه شناسی " در فرانسه تحصیل میکرد، پس از پایان دوره فوق لیسانس و پیش از انقلاب ۲۲ بهمن به ایران بازگشت و فعالانه در مبارزات ضد امپریالیستی و دگرایی خلق شرکت جست - وی، که مدتی در دبیرستان تدیس می‌کرد به

آنجلادیویس: اتهامات وارده بر حزب توده ایران ساخته و پرداخته امپریالیسم است!

در صفحه ۷

محافل مترقی بین المللی، فعالیت جهت نجات جان زندانیان توده ای را گسترش می‌بخشند

اعمال روشهای سرکوبگرانه، گوی بخت را از نظام های دیکتاتوری در سایر نقاط جهان رسوده است، در میان افکار عمومی مترقی سراسر دنیا، به انزوا ی روز افزونی کشیده شده است - فشار این محافل، حاکمیت ج . ا . ا . را مجبور کرده است، به توضیحات و اقداماتی دست بزنند که

تلاش محافل مترقی بین المللی و آزادخواه - هان جهان، به منظور کوتاه کردن دست جلااد و رهانیدن مبارزین توده ای از چنگال درخیمان حکومت جمهوری اسلامی، ادامه دارد و عدم توانائی شکنجه گران در پرده پوشی جنایتشان هر روز نمایانتر میشود - حکومت راستگرایان و تسلیم طلبان که در

بقیه در صفحه ۳

پایدار باد همستگی گسترده با زندانیان توده ای!

نامه سرگشاده پدر یک شهید به مقامات جمهوری اسلامی ایران

در زیر نامه سرگشاده علی محمد واحدی ، کارگر برق منطقه‌ای تهران قسمت نارمک ، به مقامات جمهوری اسلامی ایران که چندی پیش به " راه تسوده " رسید ، از نظر خوانندگان مجلته علی محمد واحدی که ۳۰ سال است ، بگفته خود ، " افتخار کارگری " را دارد ، و در مسازره کارگران طایفه رژیم پهلوی و برای پیشبرد هدفهای انقلاب شرکت فعال داشت و ، از جمله ، فرزند خویش را نثار پاسداری از میهن انقلابی کرد . علی محمد واحدی که اینک اختناق راستگرایان او و خانواده‌اش را به آوارگی کشانده است ، در این نامه نگرانی خویش را از ترکازی عوامل امپریالیسم ، کلان سرمایه داران ، و بزرگ زمینداران در ایران و انحراف انقلاب ابراز می‌دارد . می‌نویسد :

احتراما نظر آنجناب را به عرایض زیر جلب نموده و تقاضای توجه و رسیدگی دارم : اینجناب علی محمد واحدی کارگر برق منطقه‌ای تهران قسمت نارمک حدود سی سال است که افتخار انجام وظایف کارگری خویش را به عهده دارم و سر بلندم که در این مدت نسبتا طولانی توانستم کار و همچنین خدمت به مردم را در حد توان و امکانات خود توأم با انجام دهم ، خوشحالم که از مال دنیا چیزی مختصری بد هکاری انداخته‌ام ، ندارم که ترس از دست دادن آن مرا از راه و رسم درست مبارزات خویش ، باز دارد .

ما کارگران که بیش از همه طبقات و اقشار جامعه ظلم و ستم حاکمیت شاهنشاهی را تحمل کردیم ، با ورزش اولین نسیم‌های انقلاب ، همه نیرو و توان خویش را نثار کردیم که از ثمره انقلاب که خود بزرگترین نقش را در پیروزی و شکوفائی آن داشتیم ، بهره‌مند شویم و بتوانیم حاکم پر سرنوش خویش گردیم .

سرعت رشد مبارزات خلقهای ستندیده ما و بازگشت امام از تبعید که بلاخره روزهای تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۵۷ و واژگونی نظام کهنه سلطنت را بد نیال داشت ، باعث شد که شور و عشق وصف ناشدنی من و امثال مرا نسبت به انقلاب و حفظ دست آورد های آن صد چندان سازد و بطوریکه قسمت اعظم افکار و نیروی ما صرف پاسداری و خدمت به این هدف مقدس گردد . چقدر شیرین و بیادماندنی است که من و فرزند شهیدم به اتفاق سایر برادران رزنده شبها را به جای استراحت در مقابل کار روزانه ، به نگهبانی و پاسداری می‌پرداختیم و خستگی نمی‌شناختیم .

بیاد می‌آورم که روزهای اوج انقلاب اکثر شبها خود و فرزند شهیدم با لباس خونین به منزل مراجعت کرده و همگی احساس غرور می‌کردیم که خانواده ما هر یک به سهم خویش در نجات مجروحین انقلاب که به دست مأموران شاه جلاد ضربه خورده بودند ، نقشی به عهده داشتیم .

افسوس می‌خورم و درد می‌کشم که چرا این

امکان از من و امثال من سلب شده است که بی توقع بتوانیم بقیه عمر و زندگی خود را صرف پاسداری از انقلابی سازیم که در خدمت محرومان باشد و آنان را از تحمل بار سنگین ظلم و بی عدالتی رژیم گذشته رهائی بخشد .

افتخار می‌کنم که در تمام دوره بحسد از انقلاب نمایند ، اول شورای برق منطقه قسمت نارمک بودم و کار مشترک ما به اتفاق سایر برادران همکار در قسمت های دیگر تمرکزات نکوشی در خدمت به انقلاب و مردم از خود به جای گذاشته است . آخر ما داوطلبانه در خارج از ساعات رسمی و همچنین روزهای تعطیل کار می‌کردیم و بدون توجه به آینده زندگی خود و خانواده ، و بوجه این اضافه کاری ها را برای مهارف انقلاب و جنگ تحمیلی اختصاص می‌دادیم . این ذوق و شوق و فدا - لیت های پر ثمر ما کجا رفته است ؟ چرا برای مقابله با توطئه‌ها و هجوم های همیشگی شیطان بزرگ و ایادی داخلش این فداکاری‌ها رشد نکرده و متأسفانه فروکش کرده است ؟

فرزندم به نام کامران واحدی که می‌بایست بعد از من اداره خانواده را به عهده گیرد ، داوطلبانه به خدمت سربازی رفته ، و سپس از نبرد قهرمانانه در مأموریت دیده بانی جبهه سوسنگرد که مختصری از جریان آن در پرورنده مربوطه منعکس است ، جان خود را نثار میهن کرد . من نیز پس از شهادت فرزندم به خاطر شرکت در جنگی که به دفع تجاوز و بیرون راندن قوای دشمن از سرزمین ما اختصاص داشت ، از اولین داوطلب های محل کار و خدمت بودم . زن و فرزند دیگرم به اتفاق زنان همسایه بسیاری از اوقات خود را صرف تهیه و دوخت و دو ز لباس و سایر مایحتاج برادران رزمنده جبهه می‌کردند و همگی اعضای خانواده پس از فراغت از کار و انجام وظایف انقلابی خویش ، دیدار دلنشین و شادای بخشی داشتیم و از اینکه کار و فعالیتان جنبه اجتماعی داشت راضی و خرسند بودیم . این گرمی زندگی صرفا به من و خانواده ام اختصاص نداشت بلکه بسیاری از خانواده های کوچ نشین چنین وضع و حالی داشتند چه شد که به این روز افتادیم ؟!

ندری به خود آئید و ببینید که کاخ نشینان و مأموران رنگارنگشان چه کرده اند که آب خویش از گلوئی ما پائین نمی‌رود و هر چه درد و غم صیبت هست به عناوین مختلف بر سر ما مردم جاری می‌شود !!

به نظر می‌رسد که همه این بلاها و شکنجه ها صرفا نصیب مدافعان انقلاب شده است ، اگر بسیاری از مسلمانان انقلابی امروز در معرض انتقامجویی این باند های سیاه حاکمیت قرار نگرفته اند یا این تخفیر مسیر انقلاب به جهت سنافع مستکبران ، بدون شک فردا نوبت آنان خواهد رسید .

کنید و راه چاره‌ای برای درمان آن بیابید ، در ما درد انقلاب است . نمی‌توان قبول کرد که با این همه شهید و معلول که برای تحقق آرمانهای انقلاب نثار کرد ما بم و این همه ویرانیها و آوارگی ها که بی‌همین منظر به ما تحمیل شده است امروز شاهد و ناظر باشیم که فراریان مال اندوز و ثروتمند به میهن انقلابی ما بازگشته و به اتفاق جاده صاف کن های داخلی بهره‌کشی از ما کارگران را حتی بیش از دوران شاه دوباره ادامه دهند .

آیا این درست است که من کارگر با این سن و سال و سوابق خدمت و افتخاراتی که از خود بجای گذاشتم از ترس بیرون مأموران کمیته‌ها از خانه و کاشانه خود آواره شوم و این حقیقت را نداشته باشم که لقمه نانی برای زن و فرزند خود تهیه کرده و شب را در خانه خویش به صبح آورم ؟!

اینجناب برای استفاده از مرخصی سالانه طبق موافقتنامه شماره ۶۰۱/۲۳۱۹ مورخ ۶۲/۳/۲۳ اداره برق قسمت نارمک از تاریخ ۶۲/۳/۲۸ می‌بایست به مرخصی بروم که بسا نظر مسئولان دوزخ دیرتر از مرخصی استفاده کردم هنگام مراجعت مطلع شدم که مأموران کمیته انقلاب اسلامی حدود ساعت ۲ صبح اول تیرماه جاری به منزل اینجناب و چند تن از همسایگان هجوم آورده و هر کس را که در خانه بوده بازداشت کرده اند ، محله ما کارگر نشین است و گویا وفاداران به نظام سلطنت (که متأسفانه بسیاری از آنان با تغییر چهره امروز به خدمت گرفته شده اند) از حرکت های مستمر ما در دفاع از انقلاب و برگزاری مراسم آن در غضاب بوده و شرایط را برای انتقامجویی مناسب یافته اند ، با توطئه چینی های خود مأموران را به محله ما کشانده و خانواده ما را بی سرپرست و یا آواره ساخته اند که بدینوسیله پاداشی به ما داده باشند .

بی شک اگر منم در خانه بودم امروز به همراه سایر برادران همسایه خود می‌بایست در زندانی به سر برم که آوازه کشتار و شکنجه مأموران آن همه جهان را فرا گرفته است . ببینید انقلاب تاریخی ما را دشمنان در چه مسیری انداخته اند ؟ در حال حاضر انبوه زندانیان را مردم محروم و ستندیده و مدافعان آنان تشکیل می‌دهند ، ترویرستهای اقتصادی و محتکران بدون ترس از کمترین مجازات ، آزادانه به غارت هستی مردم ادامه می‌دهند و روز به روز هم قدرت آنان بیشتر می‌شود . آیا معنی حفظ دست آورد های انقلاب و قانون اساسی همین است ؟ مگر همه مسئولان امور قضائی و اجرایی و قانونگزاری مملکت مسلمان نیستند و سوگند یاد نکردند که از قانون اساسی و منافع مستضعفان دفاع کنند ؟! چگونه است که قانون -

بقیه در صفحه ۱۱

محافل مرفی بین المللی، فعالیت جهت نجات جان زندانیان توده‌ای را گسترش می‌بخشند

بقیه از صفحه ۱

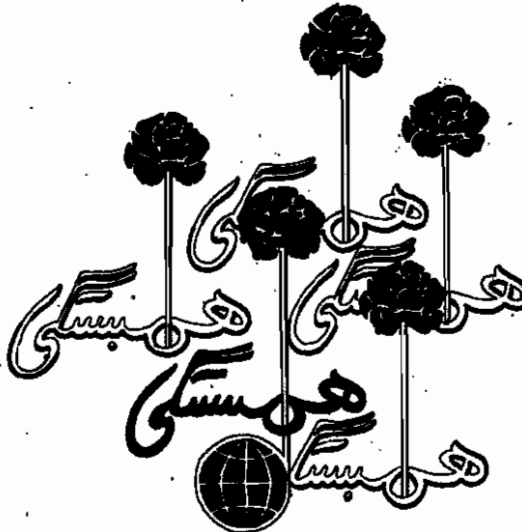
● در تاریخ پنجم ژوئیه (چهارم تیرماه) بدعت "فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان - بخش پونا و پارتیک" اتحادیه دانشجویان جوانان بحرین "، اتحادیه ملی دانشجویان بحرین و "جبهه دمکراتیک دانشجویان سوئدان در هندوستان" جلسه‌ای در پونا تشکیل شده در آن، بدنبال قرائت پیامهای همبستگی از جانب سازمانهای شرکت کننده، قطعنامه‌ای بتصویب رسید که نسخه‌ای از آن به سفارت چ ۰۱۰۱۰ در دهلی نوارسالی گردید.

صادر کنندگان قطعنامه، از جمله رفسح ممنوعیت فعالیت قانونی حزب توده ایران، پایان بخشیدن به تضيقات علیه حزب و کلیه اعضای آن را خواستار گردیده و در پایان تأکید کرد مانند کلیه مبارزان در بند باستانی از امکانات دفاع از خود برخوردار شوند و محاکمه آنان در دادگاههای بین‌المللی انجام گیرد، نه در "دادگاههای" در بسته و فرمایشی جمهوری اسلامی ایران!

● در تاریخ ۲۷ ژوئن (ششم تیرماه) در جلسه وسیعی که با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر از رهبران اتحادیه‌های کارگری کارخانجات شهر پارتیک و دبیران حزب کمونیست هندوستان، بمنظور همبستگی با حزب توده ایران و زندانیان توده‌ای در این شهر تشکیل گردید، پس از بحث و گفتگو در مورد وقایع ایران و بررسی تحولات اخیر، حاضرین با اتفاق آراء قطعنامه‌ای بتصویب رساندند که نسخه‌های از آن جهت درج در روزنامه‌ها و نیز برای سفارت چ ۰۱۰۱۰ ارسال گردید. در این قطعنامه ضمن اشاره به تاریخچه مبارزات حزب توده ایران، به زمینه‌های توطئه شوم اخیر علیه این حزب و مبارزان فداکار آن اشاره شده و کارزار شوری ستیزی که بکم ایالات متحده آمریکا دامن زده میشود، افشاء گردیده است.

صادر کنندگان قطعنامه همچنین شکنجه‌های وحشیانه‌ای را که زندانیان توده‌ای در سیاهچالهای ج ۰۱۰۱۰ بدان گرفتارند، تشدید محکوم کرده و در مورد سرنوشت رفقای رهبری، از جمله رفیق مریم فیروز که طبق اطلاعات واصله، احتمالاً جان خود را از دست داده است، شدیدا ابراز نگرانی نمودند و در پایان آزادی بلاد رنگ کلیه انقلابیون زندانی و اعزام هیأتی مرکب از پزشکان متخصص و حقوقدانان بین‌المللی را به ایران، جهت بررسی وضع آنان، خواستار گردیدند.

● در جلسه همبستگی سازمان صلح و همبستگی ایالت کارناتاگا با زندانیان توده‌ای، در تاریخ نهم ژوئن (۱۹ خرداد ماه) در شهر بقیه در صفحه ۶



نمایندگان مجمع ملی زنان انگلستان خواستار عزیمت به ایران و ملاقات با مریم فیروز شدند

روز نوزدهم ژوئیه (بیست و هشتم تیرماه) رئیس مجمع ملی زنان انگلستان، همراه دو نفر دیگر از اعضای این مجمع، به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در منچستر مراجعه کرده و مراتب نگرانی خود را در مورد دستگیری اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و بویژه سرنوشت مریم فیروز، مسئول "تشکیلات" ابراز نمودند و خواستار کسب اجازه روایت به ایران و بررسی وضع وی گردیدند.

اقدامات محافل کارگری، سازمانهای مرفی هندوستان بمنظور نجات جان مبارزین در بند توده‌ای

بیانیه مشترکی تحت عنوان "زندگی میهن پرستان را نجات دهیم!" از طرف "حزب کمونیست هندوستان" در پونا، "فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان" بخش پونا، "فدراسیون دانشجویان هندی" در پونا، "اتحادیه دمکراتیک جوانان بحرین" در پونا، "اتحادیه ملی دانشجویان بحرین" بخش پونا و "جبهه دمکراتیک دانشجویان سوئدان در هندوستان" منتشر گردید که در آن ضمن بررسی چگونگی دستگیری رهبران و اعضای حزب توده ایران، خواستهای زیر مطرح گردید است:

- ۱- متوقف ساختن هرگونه شکنجه در مورد این مدافعین راستین انقلاب ایران،
- ۲- پذیرفتن هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت بازدید از زندانیان، از طرف مقامات ج ۰۱۰۱۰
- ۳- آزادی این مبارزین از زندانها.

به رغم کوشش‌های مذبحانفاش در جهت استغفای جنایات حیوانی، به رسوائی ماملان این جنایات بیانجامد. اما وظیفه ماچ که کلیسه آزاد یخواهان ایران و جهان در پیش دارند، هنوز به قوت خود باقی است و باشد که دفاع از جان توده‌میهایی در بند، بار دیگر حقانیت راه حزب توده ایران را در مبارزه باخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، بساثبات برساند.

پشتیبانی نمایندگان مرفی مجلس عوام و اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا از حزب توده ایران

متعاقب دعوت "کمیته" دفاع از انقلاب ایران، هفت تن از نمایندگان برجسته جناح چپ حزب کارگر انگلستان در پارلمان این کشور طی صدور بیانیه‌ای تنفر و انزجار شدید خود را نسبت به اعمال رفتار وحشیانه و شکنجه‌های قرون وسطایی در مورد مبارزین حزب توده ایران ابراز نمودند و خواستار اعلام لیست بازداشت شدگان و بازدید یک هیأت بین‌المللی از آنان شدند.

● جیمز لاموند، نماینده پارلمان و صدر شورای صلح جهانی در بریتانیا، طی اعتراضنامه‌ای حمله به حزب توده ایران و اعمال شکنجه‌های بیرمزشانه در مورد رهبران و اعضای آن را شدیدا محکوم نموده است. وی همچنین، بر ضرورت اعزام کمیسیونی بین‌المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت بررسی وضع جسمی و روانی قربانیان این جنایات تأکید ورزیده است.

● هفت تن از چهره‌های برجسته جنبش معدنچیان و از اعضای رهبری این اتحادیه در منطقه کنت بریتانیا و از جمله جک کالینز، دبیر کل اتحادیه در این منطقه، ضمن صدور اطلاعیه‌ای، به دستگیری و شکنجه کادر رهبری و اعضای حزب توده ایران شدیدا اعتراض نمودند. آنان تصریح کردند مانند این اعمال، با زیر پا گذاردن ابتدائی ترین اصول حقوق بشر و پایمال کردن قانون اساسی ایران، انجام گرفته است.

● لرد میل فرد، کمونیست و شخصیت برجسته انگلستان و همسر وی، با امضای اعتراضیه‌ای در مورد اعمال روشهای غیر انسانی حکومت جمهوری اسلامی ایران در مورد مبارزین توده‌ای، ابراز تنفر نمود و خواستار اعزام هیأتی به ایران، جهت ملاقات با زندانیان و بررسی وضع آنان گردیدند.

آزموده را آزمودن خطاست!

بقیه از صفحه ۱

آن قابل تکرار نیست. ولی در مواردی شیوه های بکار گرفته شده توسط امپریالیسم بقصد سرکوب نهضت های رهائی بخش، در این و بسا آن برهه زمانی مینا تکرار می شوند. در غیر - اینصورت تجربه اندوزی از تاریخ مفهومی نمی - داشت.

از این دیدگاه کنکاش پیرامون یکی از عوامل عمده امکان تحقق کودتای ۲۸ مرداد ضرور است. رویدادهای خونین ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰، ۱۷ دیماه ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هنوز هم در خاطره ها زنده است. در آنروزها میهن - پرستان از جان گذشته ایرانی، و از آنجمله - اعضای حزب توده، ایران، در دفاع از نهضت ضد امپریالیستی بها خاستند و علیه توطئه های امپریالیستی تسلط بر منابع عظیم نفت ایران مبارزه سر سخت، پیگیر و بی امانی را آغاز کردند. عمل سرسپرده امپریالیسم تظاهرات مسالمت آمیز توده های زحمتکش را بخون کشاندند و هزاران نفر را زخمی کردند و کشتند. روحانیون دریاری، چون شمس قنات آبادی، سرس کرده " مجاهدین اسلام"، محمد بهبهانی، شیخ بهاء الدین نوری، فلسفی و دیگر سرسپردگان امپریالیسم در این دسیسه های سبانه شرکت فعال داشتند. این آقایان، که بگروه های گوناگون وابسته بودند، در مجموع " مأمور پیاده کردن نقشه " خطر کمونیسم" بر ایران بودند. روحانی نمایان از " امت مسلمان" دعوت می کردند، تا برای سد راه باصطلاح خطر کمونیسم کفن پوشیده و بمیدان آیند. گروه دیگر برای اثبات وجود " خطر کمونیسم" مأمور جعل اسناد و تنظیم پرونده علیه حزب توده، ایران، بودند. برای نمونه، سرلشکر مزینی رئیس کل شهرستانی وقت و گروهی از افسران در خدمت امپریالیسم " یانکی" در مدت کوتاهی چنان " اسناد و مدارکی" جعل کردند که میبایست دال بر تدارک کودتا از جانب حزب توده، ایران، باشند. برای اثبات این نظر سخیف مأمورین شهرستانی اعلامیه های جعلی و در مواردی حتی کتابهای جعلی که در آنها به روحانیون اهانت می شد، بنام حزب توده، ایران، پخش می کردند. سرگرد فردوست فرمانده وقت " گارد جاویدان" شاه مدوم نقش مهمی در پرونده سازی علیه حزب توده، ایران، به عهده داشت.

پس از پیروزی انقلاب، زنده یاد آیت الله طالقانی پرده از اعمال قبیح این گونجهانیکاران برداشت. وی گفت که در آن ایام عمل امپریالیسم برای " اثبات" خطر کمونیسم در منزل آقای بهبهانی گرد می آمدند و نامه های جعلی تهدید آمیزی به مهر و امضا، حزب توده ایران تهیه و به آدرس روحانیون ارسال می داشتند.

همه این آقایان ضد کمونیست های حرفه ای بودند و در ازای خدمت صاحب جاه و مال و مقام می شدند. سوم آبانماه ۱۳۳۰ روزنامه " کیهان" در توصیف سرلشکر مزینی نوشت، که این افسر تربیت یافته آمریکا سابقا فرمانده لشکر ۲ گارد مرکز بود، بعدها به مقام ریاست کل شهرستانی ارتقا یافت و پس از استعفا از این سمت آجودان سلطنتی شد و " محافل سیاسی او را یکی از نیرومندترین شخصیت های ضد کمونیستی ایران می شناسند." منظور از " محافل سیاسی" زمامداران " کاخ سفید" و گردانندگان " سیا" بودند. یکی دیگر از صبره های ضد کمونیست مشهور سرگرد فردوست بود. وی در دوران شاه بد رجه، سهپسندی نائل و بریاست سازمان مخوف " ساواک" برگزیده شد. نیازی به تذکر نیست، که در آن ایام فقط دستپروردگان " سیا" و افراد مورد اطمینان امپریالیسم یانکی می توانستند، به مقامات حساس دولتی دست یابند. یاران مزینی ها و فردوست ها و فلسفی ها در مجلس شورای ملی نیز شعله کمونیسم - ستیزی را دامن می زدند.

" چرا ریشه حزب توده، ایران را نمی کنید؟" این سخنان از آن جمال امامی، نماینده فرمایشی آن دوره مجلس شورای ملی است. تعداد این قبیل " نمایندگان" اندک نبود. امروز نیز مشابه این نذاها در مجلس شورای اسلامی سر داده می شود. آیا ایمن همسانی نظر و گفتار تصادفی است؟ حقایق تاریخی مؤید آنستکه " توده" ستیزی و کمونیسم ستیزی همیشه از امپریالیسم الهام گرفته و می گیرد. سی سال پیش با تشدید مبارزه ضد امپریالیستی، کمونیسم ستیزی نیز به نقطه غلیان رسید. آنتونی ایدن، یکی از طرح ریزان نقشه کودتای ۲۸ مرداد، در خاطرات خود می نویسد:

" بر من مسلم شده بود، که صدق هر قدر بیشتر بر آریکه قدرت باقی بماند، حزب کمونیست در ایران قوی تر و نیرومند تر خواهد شد. منافع بین المللی ما ایجاب می کرد که به صدق امان ندیم و او را آسوده نگذاریم."

اعتراف ایدن افشاگر شیوه امپریالیستی سرکوب نهضت های رهائی بخش طبیعی است. اظهارات وی درباره خطر کمونیسم دروغ آشکار است. همه می دانند، که حزب توده، ایران در آن روزها نیز تحت پیگرد بود. روزی نبود، که اعضای حزب ما را در خیابانها بقتل نرسانند و گروه - گروه آنها را روانه زندان نکنند. یگانه " گناه نابخوددنی" حزب توده، ایران از نظر امپریالیسم و ارتجاع داخلی دفاع بی قید و شرط از استقلال کشور و مبارزه در راه آزادی و

سعادت زحمتکشان بود. تصادفی نیست، که هم " لندن" و هم " واشنگتن" حزب توده، ایران را سد عمده و اساسی در راه دستیابی به امیال پلید خود می شمردند. حتی خود ایدن در خاطراتش بناچار به واهی بودن خطر کمونیسم اعتراف می کند. وی نویسد، که بخلاف آمریکا، ثیمسا، که احتمال روی کار آمدن کمونیستها را می داند، " من واقف بودم، در صورت برکناری صدق دولت موقتتری می توانست جای او را بگیرد."

در همان روزها مجله نفتی " پترولیوم پرس سرویس" (ژانویه ۱۹۵۱) نوشت:

" اگر باین زودبها در وضع سیاسی ایران تخمیراتی بوجود آید، می توان یسه حل معضل امیدوار بود."

مجله " نیواستیشن" (۲۱ ژوئیه ۱۹۵۱) بی پرده نوشت:

" از لحن شدید ستر موریسن، وزیر امور خارجه، چنین برمی آید که وی دیگر امیدی به دکتر همدق ندارد و بر آنست که مذاکرات را با شخصی دیگری شروع کند." نفتخواران انگلیسی از اینکه منافع آنان در ایران در معرض خطر قرار داشت سخت نگران بودند. آمریکا ثیمسا بد رنگ به کمک آنها شتافتند. ایدن با مجله به ملاقات آیزنهاور رفت و بعدها در خاطراتش نوشت:

" وضع ایران آیزنهاور را نگران ساخته بود. من از مذاکرات با وی که موجب نزدیکی نظرات ما شد کاملا راضی بودم. البته وضع در ایران ناھنجار بود. ولی من فکرمی کردم بهتر است صدق را عرض کنیم نه اینکه سعی کنیم او را بخریم. در نتیجه مذاکرات در این مسئله موافقت نمودیم."

بدینسان انحصارهای نفتی آمریکا و بریتانیا، که منابع نفتی ایران را بین خود تقسیم نمود، بود، نه متحدان دست اندر کار شده و با کمک " لندن" و " واشنگتن" تدارک کودتای ۲۸ مرداد را دیدند. " خطر کمونیسم" و " تدارک کودتا" از جانب حزب توده، ایران هدفش نتمان کودتای واقعی امپریالیستی بود. در اعلامیه حزب توده، ایران خطاب به آقای دکتر صدق، که روز ۱۶ شهریور ماه ۱۳۳۱ انتشار یافت، در افشای این توطئه گفته می شد:

" امپریالیست ها بمنظور مشغول کردن اذهان در اطراف " کودتای چپ" سخن - پردازی می کنند. امپریالیستها از هم اکنون به دست مستشاران نظامی نقشه های مفصلی درباره سرکوبی نمایش ها و جنبش های تودهای از راه " پروار کبشی طرح کرده" و برای اجزا آماده ساخته اند و هدف آنها زمینه سازی کودتای امپریالیستی است." سیر حوادث حقانیت حزب ما را به ثبوت رساند. ولی در آن روزهای سر - نوشت ساز دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم سرگرم اشاعه افسانه " خطر کمونیسم" بود. ۲۸ آبانماه ۱۳۳۱ روزنامه " کیهان" نوشت:

" رویتر از لندن خبر می دهد، تحویل بزرگی

جنگ در چاد در خدمت کیست؟

کشور مدخله نمایند .
 " تاس " ، خبرگزاری اتحاد شوروی نیز از اطلاع داد، که رهبران شوروی ، دخالت نظامی در ولت های غربی در امور داخلی چاد را ، مطابق با منافع نیروهای امپریالیستی ارزیابی میکنند ؛ و نیرو هایی که می کوشند کشورهای قاره " آفریقا " را به جان یکدیگر بیندازند و منافع تنگ نظرانه خود را ، که هیچ وجه مشترکی با منافع خلق های آفریقا ندارد ، حفظ کنند .
 خلق چاد از جنگی که نیروهای امپریالیستی ، موافق سیاست " تفرقه بینداز و حکومت کن " به آن دامن می زنند ، متنفرند .
 قطع هرگونه دخالت خارجی میتواند آن گونه صلیحی را به ارمغان آورده که مردم چاد بتوانند در سایه آن سرنوشت خود را بدست خویش تعیین کنند و در باره " آینده " کشور و توسعه حکومت آن تصمیم بگیرند .



ناو هواپیما بر " آیرنهور " تهدید جدی علیه استقلال لیبی

آماده ساخته و به چاد گسیل داشته است .
 آمریکا از طریق مصر و سودان در حال تدارک مقدمات دخالت در چاد است . نیروهای آمریکایی مستقر در دریای مدیترانه شروع به ضلیات تهدیدآمیزی علیه لیبی کرد و طبعی نوشته نشریه آمریکایی " کریستین ساینس مونیتور " آمریکا به احتمال زیاد در سیر وقایع دخالت خواهد کرد .
 در همین هفته اعلام شد که دولت ایالات متحده کمک مالی برای تقویت رژیم هابره به دولت چاد کرده است .
 هابره اعتراف کرده است ، که از آمریکا ، مصر و اسرائیل کمک نظامی دریافت می نماید .
 امپریالیسم می کوشد تا به وحدت کشورهای آفریقایی خلل وارد ساخته ، و " مناطق نفوذ " خود را در این قاره گسترش دهد . سرهم بندی کردن " پیمانهای نظامی " تحت کنترل نیسز ، یکی از اهداف تشدید این درگیریهاست .
 هدف دیگری که امپریالیسم دنبال می کند ، منحرف ساختن اذهان کشورهای " معتدل " عربی از مقابله با اسرائیل و متوجه کردن آن به سوی لیسی است .
 تمام این واقعیات نگرانی عمیق محافل مترقی در آفریقا و جهان را برانگیخته است .
 منگیستو هایل ماریام ، رهبر اتیوپی و رئیس کنونی " سازمان وحدت آفریقا " اعلام کرده ، که خلق چاد خود بایست سرنوشت خویش را تعیین کنند و نیروهای خارجی حق ندارند در امور داخلی این

هفتاد هم خرداد ماه سال گذشته ، پس از جنگ های سختی که بیش از یکسال ادامه داشت ، نیرو های مسلح " هابره " قدرت را در پایتخت چاد در دست گرفتند .
 این حادثه به دنبال جنگهای دو ساله قبیل از آن ، که بین " نیروهای مسلح دولت موقت وحدت ملی " به رهبری گیگونی اوادی ، رئیس جمهور چاد ، و " نیروهای مسلح شمالی " به رهبری حبیسین هابره ، در جریان بود ، اتفاق افتاد . حبیسین هابره در آن هنگام وزیر دفاع دولت چاد بود . این مبارزات گاه با موفقیت یکی و گاه دیگری ادامه داشت . نخست نیروهای رئیس جمهور موفق شد شکست سختی بر نیروهای وزیر دفاع وارد آورند ، بطوریکه او مجبور شد به سودان پناه ببرد . اما حبیسین هابره ، در سودان به کمک مقامات محلی و حامیانش ، نیروهای خود را از نو مسلح و آماده کرد و مبارزه را برای کسب قدرت ، مجدداً آغاز نمود ، که این بار به سودا و تمام شد . یکی از طل موفقیت هابره پشتیبانی دول امپریالیستی عضو ناتو ، فرانسه و آمریکا و دولت های دست نشانده " آنان در آفریقا از اقدامات او بود .

بنگاه تلویزیونی " سی - بی - اس " آمریکا فاش ساخت ، که دولت آمریکا ده میلیون دلار برای مسلح کردن نیروهای حبیسین هابره و مساقط کردن دولت چاد ، در اختیار " سیا " گذاشته است . امپریالیسم می کوشد با استفاده از مشکلات و تضاد های موجود در چاد ، تسلط خود را در این سرزمین ، که دارای اهمیت استراتژیکی در مرکز آفریقای شمالی است ، تثبیت کند .
 دولت فرانسه و آمریکا سعی دارند با دخالت مستقیم در درگیریهای چاد ، تحت لوای دروغین جلوگیری از " مدخله لیبی " ، هر یک حاکمیت خود را در این کشور برقرار سازند . فرانسه یک پل هوایی میان فرانسه و چاد بوجود آورده ، که منظمآ اسلحه و مهمات در اختیار نیروهای حبیسین هابره قرار می دهد .
 فرانسه حتی نیروهای نظامی کشورهای همسایه را برای شرکت در این درگیریها به سود هابره

تشکیل "جبهه نجات ملی" در لبنان

خطر " جاویدان " شدن اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل تشدید گردیده است . به این جهت " جبهه نجات ملی " از دولت لبنان مطالبید در برابر سیاست تحمیل شده از جانب امپریالیسم و صهیونیسم ، بطور جدی مقاومت کنند . در منشور گفته میشود :
 " نقشه تقسیم لبنان ، که توسط اسرائیل با کمک های سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا طراحی شده و هدفش انضمام بخش بزرگی از خاک لبنان به اسرائیل است ، بایست مقیم گذاشته شود ."
 احزاب شرکت کننده در " جبهه نجات ملی " بقیه در صفحه ۱۵

این جبهه تأکید شده است ، که هر کس و هر نیرویی که در جنوب لبنان بطور فعال علیه اشغالگران میززمه باید مورد پشتیبانی قرار گیرد . تشکیل این جبهه هنگامی ضروری شد که تمامیت ارضی و حق حاکمیت لبنان ، بر اثر تجاوز اسرائیل به کشور و فشارهای امپریالیستی - صهیونیستی ناشی از آن مورد تهدید جدی قرار گرفته است . بویژه پس از انعقاد موافقت نامه اسرائیل - لبنان زیر چتر ایالات متحده " آمریکا

چندی پیش در لبنان جبهه " نجات ملی " با شرکت هفت حزب ، از جمله حزب کمونیست لبنان و حزب پیشرو سوسیالیستی و همچنین شخصیت های سیاسی معروفی ، مانند رشید کرامه ، نخست وزیر پیشین و سلیمان فرانجه رئیس جمهور اسبق ، بنیان گذاری شد . هدف اعلام شده این جبهه آنست که تمام نیروهای ملی و میهن پرست را علیه اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل بعنوان برترین وظیفه " کنونی " بسیج کند . در منشور پایه گذاری

محافل مترقی بین المللی، فعالیت جهت نجات جان زندانیان توده‌ای را گسترش می‌بخشد

بقیه از صفحه ۳

بنگور، که در آن نمایندگان احزاب و سازمان های مترقی هند وستان شرکت داشتند، قطعنامه‌ای باتفاق آراء بتصویب رسید که ضمن محکوم کردن اعمال شکنجه های وحشیانه در مورد مبارزان زندانی، آزادی کلیه آنان را خواستار گردیده است.

● مرکز اتحادیه کارگران هند وستان، در اطلاعیه مطبوعاتی که در تاریخ هشتم ژوئیه (۱۷ تیرماه) بمناسبت شهادت رفیق حسن حسین - پور تیریزی بر اثر اعمال شکنجه‌های بیرحمشانه، منتشر ساخته است و ضمن ابراز تفرش شدید کارگران هند وستان از جنایت انجام شده، پایان دادن به این اعمال وحشیانه و تظییقات علیه حزب توده، ایران و مبارزین زندانی را خواستار گردیده و همبستگی خود را با آنان اعلام کرده است.

تظاهرات سازمانهای مترقی هندوستان در دهلی نو، بدنبال شهادت رفیق آوانسیان در زین شکنجه

روز سیزدهم ژوئیه (بیست و دوم تیرماه) بنا به دعوت ۹ سازمان دانشجویی مترقی در هند وستان، تظاهراتی بمنظور اعتراض به اعمال شکنجه‌های وحشیانه‌ای که منجر به شهادت رفیق گایک آوانسیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده، ایران شده، در دهلی نو برپا گردید. تظاهر کنندگان با حمل پلاکارتهایی در زمینه "محکوم نمودن شکنجه‌ها و آزادی مبارزان توده‌ای و با دادن شعارهایی از جمله: "جلاد نکت یاد!" "دشمن یکی است، آمریکا" و "درد آتشین بر رفیق آوانسیان"، به جلوی سفارت ج ۱۰۱۰ رسیدند. در اینجا تتی چند از رهبران سازمانهای دانشجویی به سخنرانی در مورد وقایع اخیر ایران و اعمال تظییقات و فشار علیه حزب توده، ایران و رهبران و اعضای آن پرداختند و سپس قطعنامه‌ای باتفاق آراء بتصویب رسید که در آن این اعمال شدیداً محکوم شده و آزادی انقلابیین در بند را خواستار گردیده بود. از آنجا که مأمورین سفارت ج ۱۰۱۰ از تحویل قطعنامه خودداری ورزیدند، تظاهر کنندگان، آنرا در جلوی سفارتخانه نصب کردند و به دادن شعار هایی علیه مسببین جنایت هولناکی که به شهادت رفیق آوانسیان انجامیده است، پرداختند.

گزارش شرح تظاهرات در مطبوعات هند وستان انعکاس یافته است.

آمریکا

در روزهای ۱۶ و ۱۷ ژوئیه (۲۵ و ۲۶ تیر) در جلساتی که در کلیسای کویکرها (گروهی

از مذهبیون بشر دوست و صلح طلب آمریکا) در شهرهای نورمن واکلاهما تشکیل شد، پس از بحث و گفتگو درباره رویداد های اخیر ایران، بازداشت‌های خود سرانه و اعمال شکنجه، پیروژه در مورد رفیق مریم فیروز، مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و سایر اعضای ایسن سازمان و قرائت اعلامیه "تشکیلات" در ایسن مورد، شرکت کنندگان در جلسه، ضمن امضای بیانیه‌ای در مورد محکوم کردن این شیوه‌های وحشیانه، نسخه‌هایی از آن را بد قتر سازمان ملل و همچنین نماینده ایران در سازمان ملل متحد ارسال کردند. سازمانها و افراد مترقی دیگری که این بیانیه را باضا رسانده‌اند، از



قرار نیرند:

- سازمان "زنان طرفدار برابری حقوق و برابری نژاد" در اکلاهما، گروه صلح آمریکا
- پرفسور جین لانکاستر، دانشمند برجسته آمریکائی و رئیس بخش انسان شناسی
- یلسی گایگر، مدیر انستیتیوی مرکز سرخ پوستان آمریکا
- پرفسور جان مور، استاد دانشگاه انسان شناسی دانشگاه نورمن
- انجمن دانشجویان کرد در آمریکا
- اویو توره، وکیل برجسته و مترقی، عضو کنفرانس ملی وکلای سیاه پوست و اتحادیه ملی مخالف تبعیض نژادی و ستم ملی
- جوئیس پارکس ساندرز، وکیل، عضو کنفرانس ملی وکلای سیاه پوست
- نماینده دانشجویان مترقی یونانی - اتحادیه صلح برای خاورمیانه
- پرفسور کراکت، رئیس انستیتیوی تاریخ دانشگاه اکلاهما
- اعضای کمیته ایالتی حزب کمونیست آمریکا، منطقه جنوب
- سازمان جوانان کمونیست اکلاهما
- درگ پار، عضو جامعه وکلای مترقی وکلای سیاه پوست از آفریقای جنوبی
- باریارا تسره، نماینده فدرا تیود دمکراتیک زنان رنگین پوست.

● در ماه ژوئن در مراسم گوناگونی که در شهر های مختلف شمال کالیفرنیا در آمریکا، برپا شده، شرکت کنندگان، با امضای بیانیه‌های متعدده همبستگی خود را با حزب توده، ایران و رهبران و اعضای در بند آن اعلام کردند و خواستار اعزام هیأتی به ایران جهت دیدار از زندانیان و نیز برگزاری محکمات علنی و قانونی برای آنان گردیدند.

از جمله مراسم فوق، جشنی است که به مناسبت سی امین سالگرد انقلاب کویا در تاریخ بیست و سوم ژوئیه (۲ مرداد ۶۲) در شهر برکلی برپا گردید.

کنفرانس مطبوعاتی در ایتالیا

در تاریخ ۲۲/۷/۸۲ (۱ مرداد ۶۲) در شهر رم به پیسه اینکوار هواداران حزب توده، ایران در ایتالیا کنفرانس مطبوعاتی برای افشای تظییقات علیه توده‌های در بند و شکنجه‌های اعمال شده در مورد آنان برگزار شد.

در این کنفرانس عده‌ای از خبرنگاران رسانه های گروهی از جمله خبرنگار روزنامه "میدل ایست" و "لارپوبلیکا" پرتیراژ ترین روزنامه ایتالیا و نمایندگان برخی سازمان های خارجی مقیم ایتالیا، از جمله حزب کمونیست یونان شرکت داشتند. در ابتدا تحلیلی از اوضاع سیاسی کشور در ارتباط با تغییر و تحولات اخیر جامعه ایران و چگونگی تثبیت سیاست نیروهای راستگرا در حاکمیت جمهوری اسلامی و تظییقات علیه حزب توده، ایران توسط یک رفیق حزبی ارائه شد. سپس ویدئو فیلم به اصطلاح "آقاربر" تلویزیونی بمطاه زنده ترین سند شکنجه و پامال کردن کوچکترین حقوق انسانی در جمهوری

اسلامی به نمایش گذارده شده که تأثر و تعجب شدید حاضرین در جلسه را برانگیخت.

سپس به سوالات خبرنگاران درباره سیاست حزب توده، ایران بخاطر پیسی خلسق و حفظ توان توده‌های زحمتکش و اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و مردمی در جبهه متحد خلق که یگانه وسیله پیروزی انقلاب است، پاسخ داده شد.

در پایان با اشاره به موج همبستگی بین المللی یا حزب توده، ایران و دستاوردهای کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای که خواستار اعزام کمیسیونهای پزشکی و حقوقی ناظر بین المللی و برگزاری یک دادگاه علنی با حضور وکلای مدافع است، از تمام نیروهای ترفیخواه و عدالت جو در سراسر جهان و ایتالیا خواسته شد با استفاده از تمام وسایل ممکن به پیورش به حزب توده، ایران اعتراض کنند و از این طریق کودتای خرنده درج ۱۰۱۰ را افشا کنند.

انجلا دیویس:

اتهامات وارده بر حزب توده ایران ساخته و پیرداخته امپریالیسم است!



۱۹۷۰ به اتهام واهی، از طرف پلیس فدرال آمریکا، آف. بی. آی. دستگیر شد. انجلا دیویس در اثر فشار افکنشار عمومی بین المللی که یکمدا آزادی ایسن مبارز آمریکایی را خواستار شده بود، پس از سه سال از زندان آزاد گردید!

"راه توده" مساحبای با رفیق انجلا دیویس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا و نایب رئیس "اتحاد ملی علیه ستم نژادی و سیاسی"، انجام داده است، که بخش هایی از آن از نظر خوانندگان میگذرد.
رفیق انجلا دیویس خود در ۳۰ اکتبر

امروز، چه در مورد روزنبرگ ها و چه در مورد رهبران حزب توده ایران، حتی کوچکترین مدتی بر له این اتهامات وجود ندارد. ما از وجود شباهت های برجسته تاریخی بین تجارب و حزب همیقا نگرانیم.

من از طرف حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا عمیق ترین احساسات همبستگی خود را با آنان که در داخل ایران مبارزه می کنند، اعضای حزب توده ایران و همچنین دیگر نیروهای دموکراتیک، ابراز می نمایم. من خصوصاً می خواهم ابراز همبستگی سازمانهای مترقی زنان این کشور را با رفیق مریم فیروز مسئول تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و اعلام نمایم. زنان ایران نقش بسیار مهمی، نه فقط برای احقاق حقوق زنان بلکه برای حقوق کودکان و حقوق همه مردم ایران ایفا کرده اند. شواهد حاکی از آنست که رفیق مریم فیروز تحت شکنجه قرار گرفته و شایع است که وی در زندان به شهادت رسیده است. ما عمیق ترین احساسات همبستگی خود را باری و با همه آنان که برای یک زندگی بهتر بخاطر فرزندان آینده ایران تلاش می کنند اعلام می نمایم.

گاس، هال، دبیر اول حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، اخیراً بیانیهای را که توسط دبیران اول احزاب کمونیست در سراسر جهان تهیه شده بود امضا نمود و در آن آمادگی رفقای ما را برای شرکت در جنبش همبستگی بین المللی که بمنظور پایان دادن تضییقات علیه اعضای حزب توده ایران اعلام کرد.

فکر می کنید که تأثیر وقایع اخیر ایران بر اوضاع خاور میانه و جهان چگونه باشد؟

ج: برای تحقق یک راه حل صلح آمیز در خاور میانه، و خصوصاً در رابطه با مبارزه در راه صلح جهانی، آینده انقلاب ایران از اهمیت حیاتی برخوردار است. پیروزی انقلاب ایران در سال ۷۹ تنها یک پیروزی برای مردم ایران که مدت یک ربع قرن توسط شاه بیرحمانه مورد ستم قرار گرفته بودند نبود، بلکه این پیروزی دستاوردی برای همه نیروهای صلح دوست جهان محسوب می شد. با در نظر گرفتن اوضاع خاور میانه و نقش اسرائیل بعنوان پاسدار امپریالیسم در منطقه، خیلی مهم است که انقلاب ایران در راهی که بتواند با اهداف امپریالیسم و صهیونیسم در

نظر شما در مورد تضییقات اخیر علیه حزب توده ایران چیست و نقش حزب را در انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: در آغاز مایلم این نکته را اعلام کنم که سه په نیروهای مترقی سراسر جهان، که انزجار شدید خود را از افزایش حملات اخیر به حزب توده ایران اعلام داشته اند، پیوسته هم - اکنون هم - زاران نفس از اعضای حزب توده ایران دستگیر شده و زیادی از آنان تحت شکنجه قرار گرفته اند. طبق اطلاع من تا کنون حد اقل دو نفر از اعضای رهبری حزب به شهادت رسیده اند. واضح است چه برای که تبلیغات (امپریالیستی) از حزب توده ایران ترسیم کرده اند، کاملاً غلط است. حزب توده ایران در راه تثبیت انقلاب نقش اساسی ایفا کرده است.

در زمینه تلاش برای ایجاد یک جنبش متحد دمکراتیک، نقش فعالیت های ضد امپریالیستی حزب توده ایران در عرض سالهای طولانی قبل از انقلاب و خصوصاً در سالهای بعد از انقلاب فوریه ۱۹۷۹، همیقا برجسته است. من اطمینان دارم که در آینده بسیار نزدیک تلاش برای جلوه دادن حزب توده ایران به عنوان "دشمن انقلاب ایران خنثی خواهد شد. وقایع اخیر ایران بخصوص برای اعضای حزب کمونیست ایالات متحده تکان دهنده بود، چرا که عده زیادی از رفقای ما فعالیت در شرایط غیر قانونی را از دوران مک کارتیسم در این کشور بیاد دارند. دورانی که کمونیست ها ملزم به معرفی خود به ارگانهای پلیسی و امنیتی بودند، و در صورت معرفی، به عنوان اشخاصی که شرتگونی، قهر آمیز دولت ایالات متحده را تبلیغ می کردند دستگیر می شدند. عده زیادی از رفقای ما در این دوران دستگیر شدند و سالهای زیادی را در زندان گذراندند. گاس هال، دبیر اول حزب، و هنری وینستون، دبیر کل، هر یک به ترتیب شش و هشت سال در زندان های این کشور بسر بردند. وقتی که اتهامات وارد شده (به رهبران حزب توده ایران) را می شنویم، اعدام بیرحمانه اتل و ژولیوس روزنبرگ را بیاد می آوریم که به همین "جسرم جاسوسی" برای شوروی متهم شده بودند.

خاور میانه مقابله کند ادامه یابد. ما آگاهییم که دولت ایالات متحده، به نمایندگی از طرف شرکتهای چند ملیتی، نمی خواهد شاهد این باشد که ایران در یک جهت مترقی پیش رود و از سال ۱۹۷۹ در سطح گوناگون کوشیده است که نیروهای مختلف را در داخل ایران به اردوی امپریالیسم بکشد.

من معتقدم آنچه امروزه در ایران میگذرد، یعنی بالا گرفتن تعقیب و آزار اعضای حزب توده ایران و سایر افراد و سازمانهای مترقی، مستقیماً به تدارکاتی که از طرف امپریالیسم آمریکا چیده شده مربوط است. البته وقتی که ما اوضاع جهانی را در چهار چوب تاریخی بررسی می کنیم، اطمینان داریم دیری نخواهد گذشت که امپریالیسم برزاندو خواهد آمد و انقلاب ایران موفق به احیای خود و ادامه حرکت در جهت دمکراتیک و صلح آمیز می شود.

فکر می کنید برای نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران دارید؟

ج: طی سالهای زیادی، افراد و سازمانهای پیشماری در ایالات متحده در حمایت از نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران فعالیت می کردند. من بخاطر دارم که در سال های قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹، تظاهرات و میتینگ های متعددی در تلاش برای توسعه روحیه همبستگی وسیع با زندانیان و قربانیان شکنجه و آزار ساواک برگزار می شد. امروز شاهد این هستیم که انقلاب ایران در راه شکست گام بر میدارد، پیوسته تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن انقلاب از مسیر اصلی آن را باید در این رابطه ارزیابی نمود. بدین جهت من مایلم عمیق ترین احساسات همبستگی خود را با نمایندگان واقعی جنبش دمکراتیک انقلاب ایران ابراز نموده و حمایت خود را از آنان اعلام نمایم. ما همبستگی خود را با حزب توده ایران، با سازمانهای زنان، سازمانهای جوانان و سازمانهای صلح و همه آنهاست که برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند اعلام می نمایم.

چرا اعضای "باند سیاه" و حامیان آنرا معرفی نمی کنند؟

بقیه از صفحه ۱

مگر حزب توده* ایران نمی گفت: باند سیاه نیرومندی در کلیه شئون اجتماعی ریشه دوانده و می خواهد از انقلاب یک ظاهر حقیر و تهی شده از هرگونه محتوی بسان شیر بی یال و دم و اشکم باقی گذارد؟ مگر حزب ما بارها پیرامون اعمال ضد مردمی کلان سرمایه داران اعلام خطر نکرد؟ یکی از "گناهان کبیره" حزب توده* ایران آنستکه کوشید انگشت روی تک تک اعضا* این "باند سیاه" بگذارد و آنها را به جامعه معرفی کند. ولی نتیجه چه شد؟ نظرات اصولی حزب ما را تحریف، مسخ و منطه کردند. بغض و کینه و تهمت و افترا جایگزین حق شد. اعضای "باند سیاه" و حامیان آن در کسوت "روحانی" رآزاد گذاردند تا به جنایت، آری جنایت خود، کماکان ادامه دهند و در مقابل اعضای حزب توده* ایران را که حق می گفتند و از عدالت اجتماعی دفاع می کردند روانه "سیا" هجالها نمودند. چنین فکس العقلی غیر منظره نبود. کسانی که در جوامع طبقاتی پایبند اصولند، از عدالت اجتماعی به معنای واقعی کلمه مواز منافع زحمتکشان دفاع می کنند، دیر یا زود با حملات و ضربات بیرحمانه مخالفان عدالت اجتماعی روبرو می شوند. این سرنوشت همه احزاب مدافع زحمتکشان در کلیه کشورهاست که در آنها آزاد پیمای دیکراتیک زیر پا گذارده می شود. ولی هیچ نیروی قادر نیست، حقایق را از مردم پنهان سازد.

مردم می پرسند: آنانیکه حاضرند همه چیز را از بین ببرند، چه کسانی هستند و چرا اسامی این خائنین به ملک و ملت را منتشر نمی سازید؟ چهار سال است درباره کلان سرمایه داران دزد و فاسد و غارتگر برجسته سخن می گویند، چهار سال است به توده های از هستی ساقط شده و عده مبارزه با گرانفروشان و محترکین می دهند، ولی گام محسوسی در ریشه کن ساختن این بلیه عظیم اجتماعی بر نمی دارند. چرا؟

آقای علی اکبر آذری نای در نامه های "اطلاعات" (۱۹ تیر ماه ۶۲) می نویسد: "سعی جمهوری اسلامی" گاهگاهی یکی از اینبایهای محترکین را با اجناس احتکار شده بمعرض دید و تماشا می گذارد. یک شب انبساط جای با مقدار مثلا ۱۲۰ تن چای احتکار شده، شب دیگر انباری را با هزاران پیت پتیر احتکار شده، چند شب دیگر انباری با ۱۷۰۰۰ طاقه پارچه احتکار شده، اخبار مشابه در رسانه های گروهی هم انتشار می یابد، حتی این اخبار بعضی وقت ها "سر منبرها و پشت میز خطابه ها"، وسیله گویندگان مذهبی گفته می شود و احیاناً در نمازهای جمعه و خطبه های آن نیز مورد بحث قرار می گیرد.

حق با نویسنده نامه است. چنین آمار و اخباری هر روز انتشار می یابد. مثلا ۳۰ تیرماه آقای عزیزیان، حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب

موز صنفی تهران، در یک صاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام داشت، در سرای بازرگانی تهران ۲۰۰ میلیون تومان پارچه قاچاق، ۲۰۰۰ چرخ خیاطی، ۱۸۰ تا ۲۰۰ تن چای و مقدار زیادی لوازم خانگی و ماشین رختشویی کشف شد.

حال برگردیم به نامه آقای آذری، وی می نویسد: چیزی که در این میان واقعا سوال انگیز و تعجب آور است، این است که همه ملت ما می دانند که همواره اختراعات را با مخترمین، اکتشافات را با مکتشفین، جنایات را با جانیان، اموال مسروقه را با سارقین و عکس مقتول را با قاتل و یا قاتلین وی ب مردم نشان می دهند، ولی چرا این اصل معمول و متداول، درباره احتکار محترکین اجرا نمی گردد؟

سوال بجائی است. مشابه این سئوال را میلیونها ایرانی در سراسر کشور مطرح می کنند، ولی نه شنونده ای وجود دارد و نه پاسخگویی. آقای آذری در پایان نامه چنین نتیجه می گیرد: "من بیسواد فکر نمی کنم، که این کار نه به ملت و نه به مملکت و نه به انقلاب و نه به دولت و نه به هیچکس غیر از محترکین و اربابان نشان چیز نفع ضرری داشته باشد."

اشتباه نویسنده نامه نیز در آنجاست که خیال می کند، انتشار نام و نشانی محترکان بغیر از خود آنان برای کس دیگری ضرر ندارد. اینک معرفی "باند سیاه" به ملت و انقلاب زیانی ندارد. جای کوچکترین تردید نیست. ولی این فقط پیروی سکنه و از نظر اکثر گردانندگان اهرمهای اقتصادی روی بی اهمیت سکه است. روی دیگر سکه همدستان محترکان در ارگانهای دولتی و "نهادهای انقلابی" و به گفته نخست وزیر در بیین روحانیون هستند. اینان شریک دزد و رفیق قافلهاند. درست بهمین سبب از آنها نام نمی برند. درست بهمین علت در سخنرانیها و خطبه ها و مصاحبه از دایره حرف و تهدید بی پشتوانه یا رافتر نمی گذارند.

همین چندی پیش، ۱۱۰ نفر از نمایندگان مجلس آقای عسگر اولادی وزیر بازرگانی و عضو شورای مرکزی "حزب جمهوری اسلامی" را استیضاح کردند. آنها در جریان بحث از دزد پیمای کلان در فروش آهن و شیشه و برنج و لوازم خانگی و غیره پرده برداشتند و گفتند که پس از آزاد شدن خرید و فروش برنج داخلی به ابتکار وزارت بازرگانی، کلان سرمایه داران بازار طی چند هفته ۵۰ میلیارد ریال بچیپ زدند. نتیجه استیضاح و افشاگری چه شد؟ آقای عسگر اولادی استعفا داد، ولی یارانش در وزارت بازرگانی و بازار مانند سابق با اعمال ضد مردمی ادامه می دهند. اگر دقت کرده باشید، آقایان نمایندگان باصطلاح "حامیان مستضعفان نیز

پا را" از گلیم فراتر نگذاشتند و نام و نشانی دزدان و غارتگران بازاری را بر زبان جاری نساختند. مثلا، آقای حسن حسن زاده در جلسه ۱۶ اردیبهشت مجلس گفت: "۰۰۰ در زمینه بازرگانی، که وزارت بازرگانی متأسفانه تبدیل به وزارت بازاری شده است، و امروز سرمایه داران بازار میلیونها تومان در این وضعیت جنگی سوء استفاده می کنند و آنهمه اعلام خطرها و نصیحت امام دارند، ندیده گرفته می شود."

در عین آزاد کردن برنج، که قیمتش چند برابر بالا رفت، یکی از مسئولین می گفت، نزدیک پنج میلیارد تومان در همین جریان آزاد کردن برنج به جیب عده های از سرمایه داران رفت. چه کسی مسئول این وضعیت تنگ آور است؟ آقایانی که دم از اقتصاد آزاد و تجارت آزاد می زنند، آقایانی که می گویند ما بهتر از شما که دارید دقت حساب می کنید، می فهمیم، آقایانی، که تا هر کسی دم از مستضعفین و حرف از مردم محروم جامعه و فقر مردم می زند، برجسب چینی به او می زند، چه کسی از این زمینه ها سود می برد؟

آیا این آقایانی، که خواهان "اقتصاد و تجارت آزاد" اند و هر کسی سخن از مردم محروم جامعه و فقر مردم میان آرد برجسب چینی با او می زنند، فاقد هویت اند؟ منیع قدرت این "باند سیاه" مسئول وضع "تنگ آور" کنونی کجا است، که بگفته آقای حسن حسین زاده حتی "اعلام خطر ها و نصیحت امام" را نادیده می گیرد و آب از آب تکان نمی خورد؟

آقای عزیزیان هم در صاحب نامه "اسرار" را فاش نمی سازد. وی پس از اشاره به "سائل" برنج، نان، آهن، لوازم خانگی و غیره، که دزد بازار با چند برابر قیمت بفروش می رسد، می گوید: مسئول گرانفروشی کیسه های پلاستیکی را به دادگاه کشاندیم و در حدود ۷۰ میلیون تومان (درست دقت کنید: ۷۰ میلیون تومان، آنهم فقط از یک نفر) جریمه کردیم. این آقای میلیونی، که قادر به پرداخت ۷۰ میلیون تومان جریمه است، کیست؟ رئیس "دادگاه انقلاب امور صنفی" در این باره سکوت می کند. کسیکه بتواند ۷۰ میلیون تومان جریمه بپردازد، حداقل دو برابر آنرا قبلا بحساب میلیونها ایرانی بخارت برده است. آیا مسئولین دادگستری با اکتفا به دریافت جریمه عملا در چاهال زحمتکشان شرکت نمی کنند؟ آقای عزیزیان می گوید:

"الان ما در دادگاه پرونده های داریم و به یک جایی رسیدیم، که اگر انشاء الله برادران در سایر ارگانها با ما همکاری کنند و بتوانیم آنها را به چنگال قانون بیاوریم، فکر می کنم، مسئله حل می شود."

بقیه در صفحه ۹

چرا اعضای «باند سیاه» و حامیان آنرا معرفی نمی کنند؟

بقیه از صفحه ۸

چرا "برادران" در سایر ارگانها با دادگاه همکاری نمی کنند و به چه علت نمی توانند کلان سرمایه داران غارتگر را به چنگال قانون ببندند؟ آیا "اگر و مگرهای" مطروحه توسط آقای عزیزان، مؤید نظر ما درباره ارتباط "باند سیاه" با پاره‌ای از مقامات عالی رتبه دولتی نیست؟ آقای عزیزان در ادامه سخنان خود می گویند، اگر موضوع حل نشده، من مجبورم در صاحبی بعدی نام صاحب پرونده و نشانی محل هابی را که آهن و کره و غیره از آنجا خارج شد اعلام دارم. معنای صریح این اظهارات چنین است: می دانم ولی نمی گویم چرا نام صاحبان پرونده و نشانی محل هابی را که آهن و کره و دیگر مایحتاج زندگی مردم از آنجا خارج می شود، با مردم در میان نمی گذارید؟ پس دادگاه در پاسخ وعده می دهد و می گوید، اگر این افراد با یک دفعه جریمه و یک دفعه تعزیر بدنی متنبه نشوند و "باز دست باین عمل خلاف اسلام و قانون زدند و برای دفعه سوم و چهارم بدادگاه آمده، ما تصمیم داریم رسانه های گروهی را دعوت کنیم و اینها را در مقابل دوربین تلویزیون محاکمه کنیم، تا همه مردم قیافه آنها را ببینند و آنها را بشناسند و گول ظاهر آنها را نخورند و فکر می کنم با این عمل دیگر آنها نمی توانند زندگی کنند."

مضحک و درد آور است. مردم، وقتی اینگونه سخنان را از مسئولین می شنوند، بحق می گویند، اگر شما واقعا هم معتقدید که با چنین اقدام ساده‌های زلزلوهای اجتماعی دیگر "نمی" نتوانند زندگی کنند، چرا از هم اکنون اینکار را انجام نمی دهید و چرا منتظرید تا برای دفعه سوم و چهارم خون زحمتکشان را بکنند؟ مگر چهار سال از کار جریمه و تعزیر تغییریری در وضع بوجود آورده است؟

آقای نخست وزیر می گویند، شمشیر دادگاه های انقلاب همیشه بر طبله فساد بلند بوده و من قول می دهم، اگر اجحاف و ظلم این "باند سیاه" ادامه پیدا کند، این شمشیر بر طبله آنها با شدت بکار گرفته خواهد شد. "میلیونها ایرانی محروم بسیار خرسند خواهند شد، اگر واقعا نیز این وعده نخست وزیر تحقق یابد، ولی مردم ایران حق دارند تردید کنند. می گویند مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد. شمشیر دادگاههای انقلاب تاکنون بطور صده فقط بر فرق دهها هزار از اعضای سازمانهای

مترقی و انقلابی فرود آمده و هنگامیکه مقابله با "باند سیاه" مطرح گردیده است، دادگاه های انقلاب شمشیرها را بلافاصله غلاف کرده اند. توضیحات برخی از مسئولان عالی رتبه دادگاه های انقلاب پیرامون اظهارات نخست وزیر نشانگر آنستکه انتظار بکار گرفتن "شمشیر" در مبارزه با "باند سیاه" امیدی واهی است.

آقای موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب، در گفتگو با خبرنگار "واحد مرکزی خبر" در تفسیر اظهارات نخست وزیر خاطر نشان ساخت:

"... مشکل اساسی در گرانفروشی و احتکار یکی توزیع صحیح و عادلانه می باشد که در این مورد باید به اندسته از بخش خصوصی که فکر خیانت در سر ندارند، امید و آزادی عمل داد تا بطور آزاد اجناس را وارد و به مردم عرضه نمایند تا با از یاد عرضه و کم شدن تقاضا مسئله گرانفروشی و احتکار برطرف گردد" (اطلاعات، ۲۳ تیرماه ۶۲).

آقای موسوی تبریزی، که قاعدتا و منطقی - بایست به حمایت از پیشنهاد نخست وزیر بسا استفاده از "شمشیر" دایره عمل کلان سرمایه داران مفسد را تنگتر کند، خواهان "امید و آزادی عمل بیشتر و گسترش حیطه عملکرد آنان از واردات تا توزیع است. وی برای توجیه نظر خود بدون اشاره بقوله بی محتوای عرضه و تقاضای تئوریک های کلاسیک سرمایه داری، از قیاسی ریکارد و واسمیت، متوسل می شود.

آقای محی الدین فاضل هرندی بد رستی می گویند، اگر اینها آزادی عمل و امید و امنیت نداشته باشند، کجا می شد با آزاد شدن یک کالا که از استانی به استانهای دیگر حمل می شود، بسا به آنچه گفته اند، بیش از پنج میلیون تومان سود عاید یک عده مخصوص و یک عده معین شود؟ و آنان چگونه می توانستند "با کمال آزادی کالائیکه دولت برایشان نرخ معین مقرر کرده است گاهی تا ۱۰ برابر نرخ واقعی خودش در بازار سیاه بفروش" برسانند (اطلاعات، ۱۸ تیرماه ۶۲).

دادستان کل انقلاب از بخش خصوصی، که "فکر خیانت در سر ندارد"، سخن می گویند. معیار تعیین خیانت چیست؟ آقای عزیزان، رئیس دادگاه انقلاب امور صنفی، مأمور مبارزه با احتکار، گرانفروشان و محترکین را بدو گروه تقسیم می کند:

"یک دسته آنها می هستند، که قصد سود

جویی دارند. اینها برای پر کردن جیب خودشان و برای استفاده زیاد تر اینکار را می کنند. یک دسته هم افرادی هستند، که قصد سودجویی ندارند؛ قصدشان براندازی حکومت است. باین معنی، که جنس را احتکار می کنند یا گران می فروشند تا بین مردم ناراضی زیاده شود."

از نظر توده های محروم جامعه هیچ فرقی بین این دو گروه نیست. همه آنها سرتو ته یک کریاسند و بدون استثنا برای پر کردن جیب خودشان از بازار آشفته کنونی بهره می گیرند. بنا بر این هر دو گروه در ایجاد ناراضی عمومی نقش واحدی ایفا می کنند. هر دو گروه بسا گرانفروشی و احتکار مانند زالو خون تهیدستان و محرومان را می مکند. سیاست از اقتصاد جدا نیست، سیاست شکل تمرکز یافته اقتصاد است.

در جوامع سرمایه داری سود قزاینده یگانه انگیزه سرمایه گذار بوده، هست و خواهد بود. علت اصلی بیماری جامعه ما نیز در اینجا نهفته است. سرمایه دار عادل، رحیم، منصف، قانع، متعهد و در فکر زحمتکشان و حامی محرومیان وجود خارجی ندارد و نمی تواند داشته باشد. بهمین دلیل، مردم ایران وقتی از زبان رئیس "دادگاه انقلاب امور صنفی" می شنوند، که می گویند گرانفروشان و محترکان سودجو را به روال همیشگی "تا ۷۴ ضربه شلاق می زنیم و جریمه هم می کنیم"، نمیتوانند بوعده نخست وزیر باور کنند. آقای عزیزان حتی "بازاریان محترم" را تبرئه نیز می کند. او مدعی است:

"ما آنچه داریم اکثر و اغلب از بازاریان است، چه در به ثمر رساندن انقلاب ما، بازاریان با اعتصاب انقلابیشان و چه بعد از انقلاب با کمک هایشان به جبهه های جنگ و دولت، نشان داد ماند، که به این جمهوری معتقدند."

آیا واقعا هم بازاریان بودند، که "اکثر و اغلب"، یعنی بطور عمده در به ثمر رساندن انقلاب نقش داشتند، یا کارگران و کارمندان و کسبه و دیگر زحمتکشان شهر و روستا؟ آیا رئیس "دادگاه انقلاب امور صنفی" نمی داند بین "با برهنه ها" می، که در جبهه جنگی - سرانجام و بی هدف جان می دهند، با آنانیکه با استفاده از همین جنگ بحساب غارت محرومیان، پیشزی چند یحوان صدقه به بنیادها می - بردازند، فرق از زمین تا آسمان است؟

باید حساب اصناف و کسبه جز را از حساب بازاریان غارتگر جدا کرد. ولی هم تجربه پیش از انقلاب و هم تجربه چهار سال اخیر موید آنستکه همیشه توزیع کنندگان جز "قریبانی محنه - سازیهای مبارزه با گرانفروشی بود ماند." تعزیر

بقیه در صفحه ۱۰

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محترکان است

واقعیات در مقابل توهمات

روزنامه پراودا، در یکی از شماره‌های اخیر خود مقاله‌ای تحت عنوان "واقعیات در مقابل توهمات" بهیرامون همکاری های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و ایران، به چاپ رسانده است.

این روزنامه در مقاله خود با اشاره به حملاتی که اخیراً از جانب برخی از مسئولین حکومتی جمهوری اسلامی ایران به روابط بین دو کشور انجام گرفته، واقعیاتی را باز کرده که "نا آگاهی و عدم صلاحیت" حمله کنندگان را اثبات می‌کند.

در این مقاله یادآوری شده است که تمام ۱۶۰ بنگاه اقتصادی که در ایران با همکاری علمی و فنی اتحاد شوروی ساخته شده‌اند، همگی بدون استثنا به دولت ایران تعلق دارند. همچنین به ایجاد کارخانه ذوب آهن اصفهان اشاره شده است که در اواخر ماه مارس ۱۹۷۳ (۱۳۵۴) با قدرت تولیدی ۵۵۰ هزار تن بکار افتاد.

در مقاله آمده است که: "فراورده‌های این کارخانه به ایران امکان می‌دهد هر ساله مبالغ هنگفتی ارز را که تاگزیر برای واردات فلزات خرج میشده، صرفه جوشی کند."

در این مقاله با اشاره به اینکه در بنگاه‌های که با همکاری فنی اتحاد شوروی و ایران ساخته شده‌اند، هشتاد هزار کارگر ایرانی به کار اشتغال دارند، افزوده شده است که از طریق بنگاه‌های صنعتی اتحاد شوروی، بیش از هزار کارشناس ایرانی برای ایران تربیت و پرورش داده شده‌اند. "روزنامه پراودا با اشاره به اینکه تمام شرکت های غربی و کارشناسان آنان در پیسی

خارج میگردد و بی‌فایده در مشعلها سوزانده میشده که حتی يك زغال نیز برای ایران سود نداشت."

طبق نوشته روزنامه پراودا "اتحاد شوروی خود دارای ذخایر فنی گاز است و اصلاً به خرید گاز نیازی ندارد. لیکن اتحاد شوروی با پیروی از اصول حسن همجواری، موافقت کرد که در مقابل مجموعه کمکهای فنی و تجهیزات و خدمات فنی شوروی، که به ایران میندهد گاز از ایران دریافت دارد."

در این مقاله همچنین خاطر نشان شده است که "ایجاد لوله گاز همچنین امکان داد تا تهران، اصفهان، شیراز، قزوین و بنگاه‌های صنعتی و تولیدی واقع در سیسیر لوله گاز از لحاظ گاز تأمین شوند."

ایران از سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۸) تا ۱۹۸۰ (۱۳۵۸)، حدود ۷۲ میلیارد متر مکعب گاز به اتحاد شوروی صادر کرد، و باین وسیله قیمت تجهیزات و مجموعه ماشین آلات وارداتی از اتحاد شوروی و هزینه خدمات فنی ساختمان کارخانه ذوب آهن اصفهان و ماشین‌سازی را که مخارج ساختمان تأسیسات آبی بر روی رود ارس و ساختمان سیلوهای فلات و مراکز آموزشی و یک عده دیگر از بنگاه‌ها تأمین گردید، و به زبان مقاله:

"این طرز پرداخت به ایران امکان داد یک سلسله طرحهای اقتصادی را بدون پرداخت يك دینار ارز برای خود ایجاد کند."

در مقاله یادآوری شده است که در طول این سالها بجز اتحاد شوروی "خریدار دیگری پیدا نشده، و در نتیجه طی همین سالها ۲۵۰ میلیارد متر مکعب گاز نفتی ایران در مشعلها سوزانده شده، یعنی سه برابر و نیم مقداری که به اتحاد شوروی فروخته شد."

در مقاله همچنین یادآوری شده است که: "در موافقت نامه منظور شده بود که با ترقی و یا تنزل قیمت نفت در خلیج فارس، به همان نسبت قیمت گاز تحویلی به اتحاد شوروی هم تغییر کند، طی دوران دهساله قیمت گاز تقریباً ۱۳ برابر شد، ولی در همین دوران قیمت تجهیزات فنی و ماشین آلاتی که اتحاد شوروی به موجب پیمانی که قبلاً از صدر گاز اضا شده بود و تحویل میداد، تغییر نمی‌کرد."

در مقاله با تأکید بر اینکه از فوریه سال ۱۹۸۰، یعنی از وقتی که صدر گاز به اتحاد شوروی قطع گردید، ایران بیش از ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز خود را بیپوده در مشعلها سوزانده، که حتی به قیمت سال ۱۹۷۹ که ایران مدعی است ارزان میفروخته، این مقدار گاز ۴ میلیارد دلار ارزش داشته و این مبلغ هنگفت را ایران بیپوده از دست داده است.

در پایان مقاله تأکید شده، که "اتحاد شوروی آماده است مناسبات حسنه با ایران را، بر اساس برابری حقوق، و البته بر مبنای تعامیل متقابل گسترش دهد. بدیهی است که برابری حقوق و تعامیل متقابل واقعی را در نظر داریم، نه تفسیر و تعبیر دلخواه این مفاهیم را."

انقلاب مردم ایران، کشور را ترک کرده و تمام کارخانه‌ها را به دست تقدیر سپردند، اما واحدهای صنعتی ساخته شده توسط اتحاد شوروی با وجود مشکلات به کار خود ادامه دادند، به ساختار واحدهای ساخته شده توسط غرب و مقایسه آن با واحدهای ساخته شده توسط اتحاد شوروی پرداخته و خاطر نشان ساخته است که "مثلاً سازمانهای شوروی هنگام تهیه پروژه ساختمانی کارخانه فولاد گدازی اصفهان، تأمین آنرا با مواد خام اولیه محلی در نظر گرفتند. در این کارخانه شعبی ساخته شده است، که امکان میدهد تجهیزات ذوب فلزات را تأمین و برخی قطعات یدکی را در محل بسازند."

مقاله یادآور شده است که در هنگام محاصره اقتصادی ایران توسط کشورهای امپریالیستی، اتحاد شوروی مکانات برانزیت کالا از سرزمین خود را در اختیار ایران گذاشت و علاوه بر آن، در آن شرایط میزان تبادل کالا با همسایه جنوبی خود را دو برابر کرد.

یکی از عرصه‌های مثبت مناسبات اقتصادی میان اتحاد شوروی و ایران، که مورد تحریف مداوم دشمنان این روابط قرار گرفته، همانا صدور گاز به اتحاد شوروی است. چنانکه میدانید صد و یک هزار تن گاز به اتحاد شوروی در سال ۱۳۵۸ به دست لیبرال‌های حاکم در آن زمان و تأیید افرادی که در حاکمیت کنونی نیز شرکت دارند، قطع گردید.

در این مقاله آمار و ارقام گویایی در مورد ماهیت این جنبه از مناسبات اقتصادی میان اتحاد شوروی و ایران درج شده است. در مقاله آمده است که "همراه هر تن نفت استخراج شده ۱۴۰ متر مکعب گاز از چاه نفت

چرا اعضای "باند سیاه" و حامیان آنها...

بقیه از صفحه ۹

و جریمه گرانفروشان و یا تعطیل مغازه‌های آنان و نصب تابلوی گرانفروشی برای چند روز حتی چند ماه، که آقای عزیزان آنرا بار دیگر وده می‌دهند، نه تازگی دارد و نه می‌تواند در راه را علاج کند. مگر برنامه مبارزه با گرانفروشی در دوران "ستم شاهی" جز این بود؟ در آن دوران نیز گرانفروشان را شلاق می‌زدند و بر در مغازه آنان تابلو نصب می‌کردند، ولی گسرانی کماکان پیدا می‌کرد. زیرا فقط اصناف و مغازه داران جز بودند، که شلاق می‌خوردند. بازار ایران درشت و مسیبین اصلی بعلت ارتباطات مرئی و نامرئی با سردمداران رژیم از هر گزند بی‌سری می‌ماندند.

ریشه گرانی، احتکار، تورم و دیگر مشکلات دامنگیر جامعه را باید در نظام اجتماعی اقتصادی حاکم بی‌کاوی کرد. بدون کشودن این گره اساسی، هیچ تدبیری نخواهد توانست بحران عمیق حاکم بر کشور را علاج بخشد. بحران

کنونی دارای علل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گوناگونی است. تا زمانیکه این علل از بین نبرد، نشود، بحران ادامه خواهد یافت و عمیقتر نیز خواهد شد.

هدف اساسی هر انقلاب ملی و مترقی عبارتست از ایجاد شرایط مناسب بر خور داری عادلانه از مواهب گوناگون برای اعضای جامعه. زحمتکشان ایران هم برای دستیابی به این هدف در انقلاب شرکت کردند و قربانی دادند. بنابراین، باید چنان نهاد های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انتخاب گردد، که پاسخگوی این هدف باشد. نظام اجتماعی - اقتصادی انتخاب شده باید با تکامل تاریخی و ویژگیهای کشور مطابقت تام داشته باشد. فقط با در نظر گرفتن این ویژگیهاست که می‌توان طیف نیروهای محرکه دستیابی به استقلال اقتصادی را گسترش داد و در اسرع زمان به هدف نائل آمد. راه دیگری وجود ندارد.

نامه سرگشاده پدر یک شهید به مقامات

بقیه از صفحه ۲

شکنان و توطئه‌گران و پیروان معاویه روز به روز قمارتر می‌شوند و مدافعان قانون و انقلاب به زندان و شکنجه و مرگ کشانده می‌شوند؟! برای من کارگر واقعا مشکل است که تشخیص دهم در بین مقامات مسئول حاکمیت جمهوری اسلامی ایران کدامیک به اسلام راستین معتقد بوده و مدافع پیگیر انقلاب و منافع مستضعفان هستند، ملگرد مجموعه حاکمیت چنین شناختی را به ما نداده است. سوال من این است که چرا پیروان راستین اسلام و انقلاب صیغ خود را از پیروان معاویه تحت نامهای امروزی آن جدا نمی‌کنند؟! اگر من سوگند همه مسئولان را در پاسداری از انقلاب و دست آورد های آن یادآوری می‌کنم چاره ندارم، برای ما روشن کنید که چه کسانی انقلاب را به انحراف و نابودی می‌کشاند و اگر نیروی مقابله با آنان را در خود نمی‌یابید که تجربه هم این مسأله را ثابت کرده است - از نیروی جانباز و بیگران ما برای تصحیح انقلاب و دفع شر دشمنان آن کمک بگیرید. با این ترتیب که حاکمیت سیر می‌کند زندانهای کشور گنجایش همه ما کارگران و دیگر مستضعفان را نخواهد داشت؟! اگر برای برخی از مسئولان هنوز مشخص نشده است که این تخییرات از کجا ریشه گرفته و به سود چه سیاست‌هایی است از من کارگر که سی سال کار کرده و تجربه اندوخته‌ام بشنوید و قبل کنید که دلشهای بزرگ سرمایه - داری و سرکرده آنان شیطان بزرگ آمریکا و ایسادی داخلیش از این تخییرات سود برده و می‌برند و بی‌شک در طراحی و ملگرد آن مشارکت

دارند

من و امثال من فقط امروز نیست که در د و رنج ناشی از کار و مناسبات کار را تحمل می‌کنیم اقدامات ضد کارگری وزارت کار امروز که در واقع روی وزارت کار رژیم گذشته را سفید کرده است ما را از ادامه مبارزات حق طلبانه خود باز نمی‌دارد. ما عمری را در مشقت گذرانده‌ایم و امید خود را برای استقرار نظام مدافع حقوق تمام و کمال مستضعفان و برقراری عدالت - اجتماعی همواره حفظ کرده‌ایم. با توجه به همین حرکتها و تخییرات درون حاکمیت است که به روشنی صدای گامهای بازگشت امپریالیسم و مستشاران رنگارنگ آنان را به میهن بلاد ییده خود می‌شنویم.

امید وارم آن بخش تضعیف شده حاکمیت نیروی خود را به همراه همه وفاداران و مدافعان صادق انقلاب مردمی ایران دوباره بدست آورند و در سایه وحدت همه جانبه ما کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه موفق شوند دست‌خائنان به انقلاب و نوکران امپریالیسم را از سر نوشت مردم صیبت دید. ما کوتاه سازند.

در خاتمه به دلایل ذکر شده آدرسی ندارم که بدان وسیله پاسخ امیدوارکننده‌ای دریافت ناهم مع‌الوصف میل دارم همکاران اداره برق قسمت تارمک در جریان پاسخ شما قرار گیرند.

با تقدیم احترام :
علی محمد واحدی - ۲۵ تیرماه ۱۳۶۲

نامه خوانندگان

به " راه توده " اشعار زیادی میرسند. دوستان ما با نهایت شرم و ملاحظه احساسات ستودنی خویش و اندیشه‌های خود را در رابطه با یورش‌های اخیر به حزب و رهبران آن به نظم عرضه می‌دارند.

ما متأسفیم که چه بخاطر جای کم صفحات " راه توده " و چه به علت سطح متغیر و ناکافی اغلب این اشعار، ناچاریم از چاپ آنها صرف‌نظر کنیم.

رگه‌های استعداد و ذوق شاعرانه در این اشعار ارسالی کم نیست.

امید واریم دوستان " راه توده " با مطالعه هر چه بیشتر آثار ادبی کهن و جدید آشنایی یا گنجینه بسیار غنی شعر فارسی و بالا بردن سطح توقع از خویشتن، اشعار هر چه بهتری برای ما بفرستند.

از جمله اشعاری که اخیرا بدست ما رسیده شعری " آنان " است که با این بیت آغاز می‌شود:

" آنان پیام آوران عشق را - در بند دروغها ، بگمان خویش - به زنجیر کشیده‌اند "

اشعار " قبیله حیدر " ، " تبار عشق " ، از مهران از ایتالیا و شعر " به پدر " از دوست عزیزان ما از شیکاگو، نیز به " راه توده " رسیده است.

دوستی با ارسال شعر زیر بمناسبت دستگیری ناجوانمردانه عدای از بهترین رفقای کمیته مرکزی حزبمان که دبیر اول خود را نیز در میان دارند، درد مندا نه به هواداران و اعضای حزب توده ایران اهدا شده است.

براستی که ما همه از او نیم و او بی‌شک پاکترین و راست ترین است :

نیست منصف تر ز تاریخ گذاری خد متش
او تو را خدمت گذار د، تا به جان برتر شوی
ترك این محفل مکن در شادی و در محنتش
گفت بود: کبترین میباش تا پبتر شوی

(از اندرزنامه عمر سروده رفیق احسان طبری)

در پی فراخوان برای شرکت در مسابقه پوستر در دفاع از توده‌های درینده، طرحهای فراوانی از دوستان و هواداران حزب توده ایران، به " راه توده " رسیده است. ما کوشش می‌کنیم که در آینده تمام طرحهای رسیده را به صورت آلبومی منتشر کنیم. در عین حال بهترین طرحها را متناها در " راه توده " چاپ خواهیم کرد.

ما منتظر طرحهای دیگری از دوستان و هواداران هنرمند حزب هستیم.

نقاشی به مناسبت ۴۲ مین سالگرد تأسیس حزب، که از طرف رفقای هوادار حزب در یونان فرستاده شده رسید.



در هفته ای که گذشت:

امیرالیسم آمریکا آفریننده کانونهای تشنج و جنگ در منطقه و جهان

مانور وسیع ستاره درخشان ۸۳ در ۱۹ مرداد، با شرکت نیروهای مدخله سریع امیرالیسم آمریکا در اراضی کشورهای دست نشانده مصر، سودان، سومالی و عمان با شرکت نیروهای مسلح این کشورها آغاز شد. این مانور خلقتی از زنجیره اقدامات امیرالیسم آمریکا و ناتودر نقاط مختلف جهان برای ایجاد کانون های جدید تشنج، و تهدید و ارباب و سرکوب جنبش های رهایی بخش ملی است.

نیروهای نظامی امیرالیسم آمریکا، در مناطقی پیرامون نیکاراگوئه در حال مانورند، و آشکارا این کشور را به مدخله تهدید می کنند. آمریکا مستقیماً در امور داخلی چاد و دیگر دول آفریقا به منظور مرعوب ساختن کشورهای که سیاستی مستقل از واشنگتن دنبال می کنند، مدخله می کند. دولت آمریکا دو فروند هواپیمای آواکس پسه سودان ارسال داشته و ناوگان های خود، از جمله ناو هواپیمابر آیزنهاور را در نزدیکی آبهای لیبی مستقر ساخته است. آمریکا همچنین تلاش دارد که روح تازه ای به پیمان "آنزوس" بدهد، تا از این طریق استرالیا و نیوزلاند را که در این پیمان عضویت دارند، در نقشه های تشنج فزایانه خود در اقیانوس آرام وارد سازد.

حکومت ریگان سیاست سرکوب هرگونه جنبش ضد امیرالیستی در تمام نقاط جهان را به سیاست رسمی خود تبدیل کرده است. مانورهای ستاره درخشان ۸۳، نیز که در این هفته آغاز شده، در واقع تمرینی است برای اشغال نظامی منطقه نفت خیز و از لحاظ سوق الجیشی مهم خلیج فارس. این اقدامات تجاوز کارانه، به منظور تحکیم مواضع آمریکا در منطقه مرزهای جنوبی اتحاد شوروی انجام می گیرد.

امیرالیسم آمریکا با این ماجراجویی های افسار گسیخته، اوضاع جهان را به شدت وخیمتر ساخته و آتش تشنج و درگیری ها را شعله ورتر ساخته است.

مانور ستاره درخشان ۸۳، که یک ماه طول خواهد کشید، بار دیگر نشان می دهد که تبلیغات بنگاه های تبلیغاتی امیرالیستی و جارجیان آنان در کشورهای خاور میانه و نزدیک، از جمله در ایران، دربارۀ "خطر شوروی" کاملاً بی پایه و بی اساس است. امیرالیسم آمریکا با دست زدن به مانور های متعدد و دامن زدن به تبلیغات ضد

شوروی، به تثبیت نیروهای ارتجاعی در ایران کشورها، منجمه در ایران کمک می کند.

در خاشیه استعفای توکلی و عسکر اولادی

ملکرد حرابکارانه راستگرایان حاکم سر دولت ج ۱۰۱۰، بخصوص در وزارت کار و بازرگانی و رسوایی سیاستهای وزرای مربوطه که در چند ماه اخیر موجبات بالا رفتن موج ناراضی مردم را فراهم آورد، تسلیم طلبان را وا داشت که مدتی تن از مهره های رسوا شده کابینه، یعنی توکلی و عسکر اولادی را وادار به استعفا نمایند. به این امید که فشار زحمتکشان بر دولت کاهش یابد! این اقدامات پشت پرده قبل از اعلام رسمی استعفای وزرای مذکور به نحو روشنی در مقاله ای تحت عنوان "جبران مافات" در روزنامه "صبح آزادگان" (اول مرداد ۶۲) منعکس شد:

"اگر آقای عسکر اولادی دست از پافشاری بر دارد و استعفا کند و دست نخست وزیر را که اقتضای گروه های عظیم جامعه اسلامی، حمایت خود را از مواضع انقلابی - اسلامی او اعلام نمود ماند، برای انتخاب وزیر بازرگانی دیگری باز بگذارد، و آدم های خاکی را به جامعه و قوه قضائیه معرفی نکند، امت حزب الله با آغوش گرم از ایشان استقبال خواهد کرد و احترامی بیش از پیش را تثار خواهد نمود و ریاست اش را بر ارگانی دیگر گرامی خواهد داشت. اما اگر ایشان همچنان پافشاری کند، با تأسف باید گفت فشار مردم مسلمان و انقلابی و امت حزب الله بر نمایندگان فزونی خواهد گرفت و آنان چاره ای جز اقدام نخواهند داشت و چنین حالتی، نه مطلوب است و نه مقبول..."

ده روز پس از انتشار این مقاله و در جریان کشاکش درونی حاکمیت، بالاخره وزرای کار و بازرگانی، "دست از پافشاری برداشتند و حاضر به استعفا شدند. ولی بلافاصله کوششهایی از سوی برخی مقامات، بمنظور اطرد "حیثیت" و آبروی از دست رفته به وزیر ای مستعفی صورت گرفت که از جمله می توان از سخنان رئیس جمهور در نماز جمعه هفته گذشته (۱۴ مرداد ماه) در این مورد یاد کرد:

"ترمیم کابینه، آمدن و رفتن چند وزیر مسئله ای نیست. چنانکه اینها امروز اینجا و فردا در جای دیگر و همیشه در خدمت انقلاب هستند (تأکید از ماست)، آنچه نیمی که ملت و مسئولین را استوار می کند تقواست. پس نباید از روی بی تقوایی حرف زد و از روی بی تقوایی نسبت به انسانهای مؤمن بدگویی کرد." "تلاش برای در خدمت انقلاب، نشان دادن و انسانهای مؤمن" نامیدن وزرای مستعفی، مؤید این نظر است که برکناری این

وزراء نه به علت مخالفت با سیاست های خرابکارانه و ضد انقلابی آنان، بلکه رسوا و بر ملا شدن سیاست های خائنانه آنها بوده است که حاکمیت را مجبور به تعویض این مهره های خائن به انقلاب و زحمتکشان نموده است.

در مورد کارنامه "خدمات انقلابی" توکلی و عسکر اولادی، که از سوی آقای رئیس جمهور عنوان شده است، ما نیازی به توضیح نمی بینیم. زیرا سیاست خائنانه و ضد انقلابی این افراد پیش از زحمتکشان میهن ما آشکار است، و آقای رئیس جمهور و امثالهم قادر نخواهند بود یا ریختن آب تظہیر بر سر آنان، کارنامه خیانت و ضدیت آنها با انقلاب را از انظار پنهان کنند. با وجود اینکه هنوز مشخص نیست در آینده چه مناصبی بهت های وزارت کار و بازرگانی را اشغال خواهند کرد، با قاطعیت می توان گفت که نمی توان برای اینگونه برکناری ها نقش تعیین کننده ای در تغییر کلی سیاست دولت قائل شد. زیرا هنوز همکران توکلی ها و عسکر اولادی ها در حاکمیت و از جمله در دولت، هست های حساسی را در اشغال خود دارند. دولت آقای موسوی فاقد یک پیرانه روشن و عینی بمنظور بیرون آوردن انقلاب از بحران عمیق کنونی و برای تغییرات بنیادی به نفس زحمتکشان است.

حال که توکلی از مقامش برکنار شده، باید دستبخت او را به زباله دان افکند!

احمد توکلی، چند روز پیش از برکناری خود از مقام وزارت کار جمهوری اسلامی، در مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی تلویزیونی شرکت نمود و با اشاره به "تغییرات" حاصل شده در پیش نویس قانون کار اظهار امیدواری کرد که هر چه زودتر این طرح به تصویب هیئت دولت رسیده و پری تصمصم گیری نهائی تقدیم مجلس گردد.

بررسی این مصاحبه نشان می دهد که آقای توکلی با توسل به کلی گویی های همیشگی خود و طفره رفتن از مسئله اصلی، هیچ نکته اساسی را که بیانگر حمایت از منافع کارگران باشد، به پیش نویس سابق خود تیا فزوده و تنها در مواردی به قول خودش "از نظر انشائی تغییراتی در آن انجام داده است." (کیهان ۹ مرداد ۶۲)

در حالیکه پیش نویس آقای توکلی طی سال گذشته در محافل و جلسات مختلف کارگری مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفته و کارگران مبارز با تهیه قطعنامه ها، جمع آوری امضا و ارسال طومار به مقامات مختلف جمهوری، تظنر قطعی خود را درباره پیش نویس قانون کار آقای توکلی و شرکاء، مبنی بر روح ضد کارگری آن اعلام داشتند، وی همچنان بر مواضع سابق خود پافشاری نموده و اظهار امیدواری می کند که هر چه زودتر دستبخت ضد کارگری اش به تصویب برسد.

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

اگر برکناری توکلی بمنظور یافتن راهی برای حل مشکلات و مسائل کارگران و زحمتکشان می باشد باید برنامه‌های انقلابی به نفع زحمتکشان و علیه نظام غارتگری تدوین نمود و بر اجزای فاسد آن پای فشرود. استفاده از طرحهای ارتجایی نظیر پیش نویس قانون کار آقای توکلی نه تنها بحران کنونی را در زمینه مسائل کارگری مهار نمی کند، بلکه آن را عمیق تر کرده و نارضایتی را بیشتر می نماید.

حال که توکلی از مقامش برکنار شده، اولین قدم در تصحیح اشتباهات گذشته، ریختن دستبخت ضد کارگری وی در زیاده دانی و سپس تهیه و تنظیم قانون کار در خور انقلاب و با مشارکت فعال کارگران می باشد. تدوین سیاست توکلی بدون توکلی عجیبی نیست که مورد قبول زحمتکشان میهن ما قرار گیرد!

باید با سیاست ضد انقلابی حجتیه‌ها مبارزه کرد!

هفته گذشته برخاستی از مقامات جمهوری اسلامی، عددهای از نمایندگان مجلس و ائمه جمعه در سخنرانی های خود "انجمن حجتیه" را مورد حمله قرار دادند و از آن به عنوان نیرویی که خلاف جریان حرکت مردم سر میزند نام بردند.

از جمله، حجت الاسلام خلیفایی در سخنرانی پیش از دستور خود در مجلس شورای اسلامی، در ۱۱ مرداد ماه، به تشکیلات این سازمان اشاره کرد و گفت که:

"اینها اعلام کرده اند چون فرمایشات امام در روز عید فطر متوجه ما نبوده، اعلام کردیم انجمن حجتیه در سراسر ایران تعطیل شود (نه انحلال)".

آقای خلیفایی سپس به مواضع این سازمان نسبت به جنگ و رژیم شاهنشاهی اشاره نمود و اظهار داشت:

"شما میخواستید تا سایه سیاه نظام شاهنشاهی و غیره بردوش ما باشد".

وی همچنین تأکید کرد که:

"آنکه از اعمال انجمن حجتیه راضیست شیطان زمان، آمریکاست".

آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان نیز در گفتگوی خود با خبرنگاری جمهوری اسلامی (صبح آزادگان ۱۳ مرداد ماه) به اعمال این انجمن اشاره کرد و گفت که این انجمن انقلاب را قبول ندارد. وی همچنین افزود که مسردم بیدارند و خطر این باند را نیز خفتی خواهند کرد.

همچنین برخی دیگر از شخصیت های جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اعمال این انجمن پرداخته و از آنها خواستند که توبه کرده و به دامن

جمهوری اسلامی بازگردند.

آنچه که بایستی در این رابطه متذکر شد اینست که، هرچند این افشاگری از طرف افراد فوق به خودی خود مثبت است، و یاساک از چهره یکی از باند های ضد انقلابی، که نقش مهمی در فعالیت های سازمان داده شده علیه انقلاب و نیروهای انقلابی داشته برداشته میشود، اما انجمن حجتیه تنها نیروی ضد انقلابی که بطور متشکل علیه انقلاب فعالیت می کند نیست. سازمانها و باند های متشکل "سیا" ساخته رنگارنگ، مخفی و علنی پر نفوذ دیگری نیز هستند که همچون "حجتیه" و حتی بسیار فعالتر از آن عمل می کنند.

نکته اساسی که باید به آن توجه کرد، آن است که خط و نشان کشیدن برای این سازمان و یا احیاناً سازمانهای نظیر، با توجه به سابقه "جنگ و دندان نشان دادن های" آیینچاتی بهیچ وجه نمی تواند به معنی مبارزه با سیاستی تلقی شود که این سازمانها به پیش می برند.

باید گفت که بسیاری از نکات سیاسی تبلیغ شده توسط این سازمانها دیگر مدتهاست به سیاست حکومتی تبدیل شده و به مرحله اجرا در آمده است.

مبارزه با سازمان حجتیه و امثالهم، زمانی معنی خواهد داشت که با سیاست ضد انقلابی این باندها که عدالت شهری ستیزی، کمونیسم و توده ستیزی، کارگر ستیزی، سیاست نزدیکی به غرب، سیاست تأمین منافع فارتگران و... است، و اکنون دیگر به سیاست حکومتی ج ۱۰۱۰ تبدیل شده است، مبارزه شود. لیبرالها رفتند اما سیاستشان باقی ماند. قطب زاده اعدام شد، ولی سیاست اعمال شده توسط وی در عده ترین خطوط از طرف وزارت امور خارجه کنونی ادامه داده میشود. مسئله اصلی مقابله با این روند مغرب و انقلاب برانداز است!

امپریالیسم زاین نمی تواند دوست مردم ایران باشد

در هفته گذشته، وزیر امور خارجه زاین به دعوت وزیر امور خارجه ج ۱۰۱۰ وارد تهران شد و با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر امور خارجه دیدار و گفتگو کرد.

وزیر امور خارجه زاین در دید و ورود خود، طی گفتگویی، به اهداف سفرش اشاره کرده، گفت:

"من معتقدم که ایران بعد از انقلاب بسوی ثبات می رود و لازم است ما روابط خود را با ایران تحکیم بخشیم".

وی ضمن اشاره به بهبود اوضاع اقتصادی ایران گفت:

"بنظر من اقتصاد ایران بسوی توسعه پیش می رود. من امیدوارم که آمدن من به ایران باعث گسترش روابط اقتصادی ایران و ژاپن شود. زیرا احساس میکنم محیط ایران پرازشنبو جوش و فعالیت است".

ناگفته پیداست که امپریالیستها از کدام "ثبات" و "توسعه اقتصادی" بویجسد آمد مآند؛ ثباتی که منافع فارتگران آنها را تأمین و تضمین کند! ثباتی که دست انحصارات ژاپنی،

آلفانی، انگلیسی، و آمریکایی را در چپاول و غارت ثروت های طمی میهن ما باز بگذارد!

وزیر امور خارجه زاین طی دیدار با رئیس جمهور اظهار می کند که:

"ژاپن سیاست نه شرقی و نه غربی ج ۱۰۱۰ را درک میکند".

البته وزیر امور خارجه زاین نه اینک، بلکه از مدتها پیش این "سیاست" را درک کرده است. بیهوده نبود که سران هفت کشور عده سرمایه داری در اجلاس ویلیامزبورگ، با خوشحالی به این نتیجه رسیدند که "ایران فعالیت شدیدی را با هدف شکستن انزوای خود آغاز کرده است". آنها هنگامی به درک این سیاست نائل آمدند که با استقبال گرم مقامات ایرانی در بازگذاشتن دست آنها برای بر کردن بازارهای ایران، با انواع کالا های پنجل خود، روبرو شدند. طبق اظهارات سفیر ایران در ژاپن، ایران ضمن ابراز رضایت از توسعه پیوند های میان دو کشور، بخصوص در زمینه های تجاری اعلام کرده که "انتظار می رود امسال حجم مبادلات دو جانبه تجاری با ژاپن به ۶ میلیارد دلار برسد".

این روند که در نتیجه اعمال سیاست "نه شرقی، نه غربی" تعبیر شده از سوی حاکمیت فعلی است، پرده از ادعاهای تو خالی عدم وابستگی به کشورهای امپریالیستی بر میدارد و بر همگان آشکار میکند، که این روابط نه تنها از وابستگی کشور ما به کشورهای امپریالیستی نکاسته، بلکه افزون نیز گشته است.

مقامات بلند پایه ج ۱۰۱۰ که چهار نعل بسوی استقبال انحصارات فارتگر ژاپنی و دیگر متحدان غربی، آن می شتابند، برای توجیه این سیاستها، ادعا میکنند که گویا امپریالیسم آمریکا، ژاپن، کشور "دوست آسیایی" ما را فریب داده است! حجت الاسلام خاتمی وزیر ارشاد اسلامی اخیرا ضمن دیدار با سفیر ژاپن اعلام میکند که:

"اگر تا کنون در بعضی موارد اقتصادی و صنعتی میان ایران و ژاپن مشکلاتی وجود داشته است ما آنرا هم ناشی از توطنه و فتنه گری امپریالیسم خصوصی شیطان بزرگ میدانیم".

مسئولین جمهوری اسلامی ایران بخوبی می دانند که ژاپن یکی از کشورهای رشد یافته سرمایه داری است که تا مرحله امپریالیستی پیش رفته است! آنها می دانند که ژاپن و دیگر کشورهای اروپای غربی متحدان طبیعی آمریکا هستند. آنها می دانند که سرمایه های انحصار گری که در این کشورها قدرت حاکمه را در دست دارند، سرمایه های "چند ملیتی" هستند، که در آنها "سهم شیو" متعلق به انحصارهای آمریکایی است. اما با این وجود، به تشویق ژاپن و کشورهای سرمایه داری غربی و از آن طریق امپریالیسم آمریکا برای ورود از درو پنجره به میهن پلاکشیده ما مشغولند!

رویدادهای امروز نشان میدهد که از لحظه یورش به حزب ما تا کنون، به موازات هر خطبه ای که طیه حزب ما خوانده شده بهشت پرده مناسبات تازه تری با امپریالیستها برقرار گردیده است.

۱۳۱۲ - ۱۳

رجا پهل و غارت
دارد!
بیدار یا رئیس

غریب ج ۱۰۱۰

اینک، بلکه از
رک کرده است
ده سرمایه

آزمودن خطاست!

طی آن کمو -
می شوند .
و دیگر بلند -
استاد ازل گفت

مشحالی
نوشته
مجلسه ایران عاقبت شومی برای آمریکا در پسر
خواهد داشت . دکتر مهدق توانست سرانجام
با کمک کمونیست ها مجلس ایران را منحل کند و
آمریکا مصمم است از توسعه کمونیسم در کشورهای
آسیا جلوگیری کند . (کیهان ۱۵ مرداد
ماه ۱۳۳۲)

اینکه اکثریت قاضی شرکت کنندگان در
فرزاندوم با دادن رأی به انحلال مجلس هفدهم
راه تداوم نبرد علیه نفتخواران جهاننسی را
انتخاب کرده بودند نمی توانست موجدیات ناراحتی
امپریالیسم " یانکی " را فراهم نیاید . بهمین
سبب، آیزنهاور در صاحب مطبوعاتی با لحنی
که در عرف دیپلماسی بی سابقه بود گفت:

" البته مهدق در این اقدام از حزب
کمونیست ایران استفاده می برد . تمام این اوضاع
آن صفحات برای آمریکا شوم و نحس است . زیرا
اگر دنیا این نقاط را از دست بدهد، چگونه
می تواند امپراطوری ثروت مند اندونزی را نگاه
دارد . در این صورت ملاحظه می کنید که این
راه را در جایی باید مسدود کرد و دیر یا زود
بایستی مسدود گردد و ما مصمم به این کار هستیم"
(اطلاعات، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۳۲)

چنین است معنا و مفهوم آن پندی که سران
جمهوری اسلامی باید از تاریخ بیاموزند . آری
اعضای حزب توده " ایران همانند میلیونها
ایرانی میهن پرست در فرزندوم شرکت جستند و
رأی مثبت دادند . نگرانی امپریالیسم آمریکا از

نفوذ کمونیسم نبود . " واشنگتن " بهتر می -
دانست، که حزب توده " ایران در آن ایام
هم از فعالیت علنی و آزاد محروم بود . امپریا -
لیسم آمریکا از سرایت آماج نهضت های رهاشی -
پخش ملی به سراسر کشورهای تحت سلطه و
" امپراطوریهای ثروت مند " بیبناک بود . آنچه
سلاطین و همدستان آنان را می هراساند بیداری
صدها میلیون انسان در کشورهای نفت خیز
بود . انحصارهای غول پیکر گردانندگان اصلی
اهرمهای دولت امپریالیستی برای تحمیل اقتدار
عمومی به حربه شناخته شده " خطر کمونیسم "
پناه می بردند . هنگامیکه انقلاب شکوهمند مردم
ایران در روزهای فراموش نشدنی بهمن ماه ۵۷
می رفت تا به سلطه امپریالیسم و مزدوران ایرانی
آن در میهن ما پایان بخشد، تاریخ دوباره
تکرار شد . شاه معدوم برای نجات تاج و تخت
خود تخته " خطر کمونیسم " و " نفوذ کمو -
نیست ها " در تظاهرات میلیونی را دوباره
سرداد و همه رسانه های گروهی امپریالیستی آنرا
در مقیاس گسترده ای پخش کردند .

این شیوه مطرود از فردای پیروزی انقلاب پا
شدت و حدت روز افزونی ادامه یافت . پی
اصلاح نفوذ حزب توده " ایران در ارگان
های دولتی و " نهاد های انقلابی " موضوع
اساسی راد یوهای ضد انقلاب و ورق پاره های
شده، که بختیارها و امینی ها در خارج انتشار می
دادند و اعمال آنان این اراجیف را در داخل
تکرار می کردند . دیروز آقای فلسفی، برای تهیه
تدارک شکست نهضت ملی کردن نفت بر سر هر
منبری از " خطر کمونیسم " سخن می گفت؛ امروز
هم همان آقای فلسفی و دیگر همدستانش همان
نخه های کهنه را اینبار برای احیا " مواضع امپری -
الیسم سر می دهند . دیروز سرگرد فردوست
برای خوشترقی در برابر شاه و اربابانش برای

حزب توده " ایران پرونده سازی می کرد؛ امروز
هم همان آقای فردوست در مقام مشاور امنیتی
جمهوری اسلامی وظیفه " مشابهی را به عهده
دارد . دیروز امپریالیستها حزب توده " ایران
را به " تدارک کودتا " متهم می ساختند؛ امروز همین
آن اتهام را از زبان فرمانده کل سپاه پاسداران
می شنوم . دیروز اعضای حزب توده " ایران
را برای حفظ منافع امپریالیسم روانه سیاه چال
ها می کردند؛ شکنجه می دادند و می کشتند؛ امروز
هم در بهمان پاشنه می چرخد تا خاطر " شیطان
بزرگ " را از این رهگذر آسوده سازند . امروز
هم مانند دیروز هدف کمونیسم ستیزی عبارت است
از تأثیر در روند اجتماعی، اقتصادی و سیاسی
بقصد احیا " مواضع از دست رفته امپریالیسم " تجربه
تلخ کشور ما و نه تنها کشور ما بارها به ثبوت
رسانده، که امپریالیسم و نواستعمار برای استقرار
سیستم تفادات اقتصادی و سیاسی همیشگی از سلاح
" خطر کمونیسم " بهره برده اند . آنانیکه از
این تجربه تاریخی پند نمی گیرند، دیر یا زود
پشیمان می شوند . مؤلف کتاب " دفاع دکتر
مهدق از نفت در زندان زرهی " نقل قولی از
او می کند، که بسیار ارزنده و آموزنده است . دکتر
مهدق در زندان لشکر ۲ زرهی بدرستی اظهار
داشت:

" کمونیسم را بهانه کرده اند، برای اینکه ۴۰
سال دیگر از معادن نفت ما سوء استفاده کنند
و برای ادامه سوء استفاده ملت ایران را از
آزادی و استقلال محروم نمایند ."
اینک که با طرح مجدد افسانه " خطر
کمونیسم " هزاران نفر از اعضای حزب توده " ایران
و دیگر مبارزان راه آزادی و استقلال
کشور را روانه سیاه چالها و احزاب ملی و مترقی
را غیر قانونی اعلام کرده اند و می روند تا سیستم
قیادت نواستعماری را از نو زنده سازند و برای
این نیز ملت ایران را از آزادی و استقلال محروم
کرد مانده، یادآوری این حقیقت از زبان آقای دکتر
مهدق بیش از پیش اهمیت دارد . آزمودن خطا
خطا است .

بر بالا نگاه داشتن نرخ بهره بار سنگینی برای
مناسبات اقتصادی بین المللی است .
نشانه های موجود حاکی از احتمال بسا لا
رفتن بعدی نرخ بهره در آمریکا، و نظرگاههایی
که در بازارهای مالی غرب در مورد تکامل آتی
اقتصادی در کشورهای سرمایه داری پیدا شده
است، منجر به هجوم همه جانبه برای خرید
دلار گردیده است . بانکها و دیگر سرمایه -
داران با تبدیل سرمایه خود از ارزهای دیگر
به دلار قصد استفاده از این شانس را دارند
که همراه با افزایش نرخ بهره " دلار در آمریکا
سود های بیشتری به چنگ آورند .
همین جستجوی سودجویانه دلار است که
منجر به افزایش مصنوعی نرخ مبادله " آن در بازار
های ارزی بین المللی گردیده و مسائل بفرنجی
را در مناسبات ارزی کشورهای سرمایه داری
موجب شده است .
بانکهای ناشر اسکناس در آلمان غربی، ژاپن
بقیه در صفحه ۱۶

چرا نرخ دلار بالا می رود؟

دو برابر سال مالی گذشته است .
بطوریکه روزنامه " فرانکفورتر روندشواو "
چاپ آلمان غربی مینویسد، این کسری بودجه " مظیم
در درجه " اول حاصل برنامه " قبل آسای
تسلحاتی ایالات متحده " آمریکا است . در سال
مالی جدید رقم هزینه های نظامی به ۲۶۳
میلیارد دلار رسیده است .
دولت آمریکا، برای اینکه گودالهای بودجه " خود
را پر کند، احتیاج به مقادیر هنگفتی اعتبار
ذخرد . جستجو برای یافتن اعتبار از جانب
دولت آمریکا، پایین منجر شده است، که نرخ بهره
در مقایسه با دیگر کشورهای سرمایه داری بطور
مصنوعی بالا برود .
دست اندرکاران امور اقتصادی بارها
یاد آور شده اند که سیاست " واشنگتن " مبنی

هفته گذشته نرخ مبادلاتی دلار در بازار
های ارزی بین المللی به بالاترین حد خود طی سال
های اخیر رسید . در فرانکفورت برای هر دلار
باید ۲/۷۱۲۰ مارک (آلمان غربی) پرداخت
میشد . این مساوی آن ارزشی است، که دلار
در سپتامبر سال ۱۹۷۵ در بورس فرانکفورت
دارا بود . همچنین نرخ برابری دلار با فرانک
فرانسه، لیر ایتالیا و فرانک سویس به نرخ های
بی سابقه نزدیک شد .

کارشناسان، علت این امر را سیاست دولت
آمریکا مبنی بر بالا نگاه داشتن نرخ بهره و
همچنین پد هکنری های بزرگ این کشور می -
دانند . مطابق ارقام رسمی، کسری بودجه " سال
مالی جاری " که سی ام سپتامبر پایان می یابد
برابر با ۲۰۹/۸ میلیارد دلار است، که تقریباً

انقلاب مشروطه ایران

به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت ایران

روز ۱۴ مرداد مصادف است با سالگرد یکی از مهمترین رویداد های تاریخ معاصر ایران: انقلاب مشروطه، انقلابی که با شرکت توده مردم و به همت انقلابیون نامداری بر سر جاده تاریخ کهنسال ایران، علامت پارزی از یک چرخش است. انقلاب مشروطیت ایران در عهد مترسین خصلت های خود انقلابی بود ملی و دموکراتیک، انقلابی بود علیه سلطنت و اختیارات مستبدانه و نامحدود شاه، علیه نظام فئودالی و خان خانی و سیطره دربار و وابستگان به آن، علیه استعمال بیگانه و فارت های بی حسابش و امپریالیسم که در نخستین گامهای امتیازاتی استقلال شکن بدست می آورد. مشارکت وسیع مردم محرم شهرها و دهات مبر مردمی عمیقی بر چهره این انقلاب زد و صفحات درخشان و افتخار آمیزی را در تاریخ مین ما به ثبت رسانید، تا کسه آزادی از خون بروید.

ولی انقلاب بواقع پیروز نشد، مسخ شد و در چنگال کارگزاران استثمار و ارتجاع و زور و زور پهر زد. شعلهای بود و خاموش کردند. نغمهای بود و بردند از یاد.

امروز برای ما درسهای شکست و درک علل آن حائز نهایت اهمیت است. اهمیت بررسی این آزمون بزرگ تاریخ معاصر مین ما، خصوصا در شرایطی که راستگرایان مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بکمک تسلیم طلبان در صده ترین مواضع اقتصادی و سیاسی ج ۱۰۱۰ به قدرت رسید مانده و باپورش به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، ضد انقلاب و ارتجاع داخلی و خارجی پسر کردگی امپریالیسم آمریکا راه بازگشت و شکست را به انقلاب ۲۲ بهمن تحمیل کرد مانده، از فعلیت خاصی برخوردار است.

شکست نتیجه متوسطه امپریالیسم خارجی (انگلستان و روسیه تزاری) و عمل عناصر د و رونا استوار داخلی، عسره مسخ تدریجی آن بدست عناصری بود، که مانند موریانه انقلاب را از درون خوردند. لنین نوشت:

" این توطئه ایست مستقیما برای خفه کردن انقلاب آسیا. و خطاب به کارگران گفت: سرمایه داری شما را می بلعد، ایران و هر جای دیگری را خواهد بلعد. تا آن گاه که شما او را سرتگون کنید، سرمایه داران لیاخوفهای خود را به ایران می فرستند. وظیفه مارکسیستها آنست که سرمایه داری را در پیشگاه کارگران افشا کنند."

در انقلاب مشروطیت از یکسو، لیاخوفها و صدرا لاشرافها میادین تیرباران و شکنجه گاه ها را سرخ قام کردند. از سوی دیگر عوامل نفوذی و لیبرال های آن زمان به تکاپو افتادند.

همانهایی که امروز ریش می گذارند و تسبیح می گیرند، آن روز یا متحد و مشروطه خواه شدند، یا اسلام نمای افراطی، تقی زاده ها و مشیرالدوله ها و ناصر الملک ها و حکیمی ها مانند موریانه به جان انقلاب افتادند و به نام "انقلابی"، انقلاب را مسخ کردند. در نتیجه کسانی که در پایان کار پیروز شدند، عین الدوله ها و شعاع السلطنه ها و ظل السطان ها بودند، که دوازه به نام مشروطه، همان پسا ط کهن را یا دستکارهایی برقرار کردند. در این میان بازی خورد مهائسی نظیر بیرم خان ها، در عمل آلت دست ضد انقلاب شدند.

دوستان نادان انقلاب کارشان بقابله با انقلاب و کشتن انقلابیون اصل کشید. در آن زمان هم "اسلام نمائی" برای شکست مشروطه، خواهی رسم شد و شخص محمد علی شاه با پهای برهنه به سخاخانه می رفت و شمع می گذاشت و روحانیونی که با دربار و سفارتخانه ها رابطه داشتند، با تظاهر به اسلام، با انقلاب مخالفت می کردند. بیم از توسعه نهضت انقلابی، ترس از توده زحمتکش و حق طلبی که خواستهای مستقلانه خویش را مطرح می کرد، فریب خوردن از دشمنانی که به هیئت دوست در آمده بودند، تحمل عناصر مشکوک و نفوذی، انقلاب را ضربه پذیر کرد و آنگاه که موریانه ها کار پلیس خود را آغاز کردند، دیگر تا مسخ آن فاصله ای نبود، پیروزی که تناسب نیروها در عرصه جهانی هنوز بسود خلقها و وزیران سرمایه داری انحصاری و ارتجاع و استعمار نبود و دنیای ما تازه در آستانه دوران نوین تکامل خویش قرار داشت. مردم قهرمان ما در این مبارزه نام تابناک ستار خانها و باقرخانها، حیدر عمو و علی ها و علی مسیوها و روحانیون مشروطه طلبی چون طباطبائی ها و بهبهانی ها و ملک المتکلمین ها و شیخ سلیم ها را بر خاصه تاریخ خود نوشتند. اگر تاریخ را نه داستان جالب گذشته ها، بلکه درسی آموختنی برای حال و آینده بدانیم، از انقلاب مشروطه بسی چیزها فرا خواهیم گرفت. این پندگیری بخاطر اقدام برای نجات انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن از شکست است، انقلابی که بزرگترین رویداد تاریخ ماست و اکنون در معرض شدید ترین توطئه ها و مکارانه ترین دامها قرار دارد و انواع دستجات و انجمنها و موریانه های لیبرالی و قشری و انحصار طلب و اسلام نمسا و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و عوامل آنها که در تمامی ارگانها و نهاد های دولتی و غیر دولتی ج ۱۰۱۰ جای گرفته اند، هر صد مسخ کامل آن و سترون کردن آن هستند. وظیفه همه انقلابیون است که انقصاب مشروطه ایران را گرامی بدانند، درسهای آن را بیاموزند و ترویج کنند.

تشکیل جبهه نجات...

بقیه از صفحه ۵
با نگرانی فزاینده شاهد عواقب منفی حضور واحد های نظامی آمریکائی و دیگر کشورهای ضو " ناتو " برای حق حاکمیت لبنان نیز هستند. روزنامه " النداء " می نویسد که هدف امپریالیستها بدست آوردن سلطه کامل بر تمام منطقه خاور نزدیک است. امپریالیستها در نظر دارند، جنبش های رهائی بخش ملی عسرب و دولتهای عربی را، که سیاست ضد امپریالیستی دارند بخنوان دشمن اصلی معرفی کنند. بدین جهت تشکیلی، د هندگان جبهه، مخالف تبدیل لبنان به ضریلی عطیات تجاوز کارانه امپریالیسم علیه کشورهای دیگر و بخصوص کشور همسایه سوریه هستند.

از این نظر، " جبهه نجات ملی لبنان " همکاری با سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین را یکی از اصول فعالیت خود اعلام کرده است. سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین نیز از جانب خود تشکیل این جبهه را بعنوان گامی بس مهم در راه نوسازی نیروهای ملی در لبنان تهنیت گفته اند.

یکی دیگر از هدفهای " جبهه نجات ملی لبنان " حفظ خصلت عربی جمهوری لبنان و اجرای آنچنان سیاست داخلی است، که در شرایطی دموکراتیک منافع تمام گروههای اهالی را بحساب آورد. باین ترتیب میبایست نقشه های نیروهای ارتجاعی، که میخواهند لبنان را از خانواده کشورهای عربی بیرون بیاورند، خشی گردد.

این جبهه که بی گیری سنت های جنبش ملی-مترقی را وظیفه خود اعلام کرده در نظر دارد، بتدریج رویانی سازمانی خود را مستحکم کند. در منشور گفته میشود، که عالیترین ارگان جبهه " کنگره عمومی خلق " است، که در آن هیأت اجراییه جبهه انتخاب می گردد. همچنین تشکیل کمیسیون های متعددی از کارشناسان برای بررسی مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نظامی، اطلاعاتی و غیره در منشور پیش بینی شده است.

اکنون اعضای " جبهه نجات ملی لبنان " کوشش می کنند دیگر سازمان های سیاسی کشور را به همکاری با آن جلب کنند، بطوریکه پایسه توده های جبهه گسترده تر شود و هدفهای سیاسی آن در تمام گوشه و کنار کشور به آگاهی توده های مردم برسد.

رشید کرامه، یکی از رهبران این جبهه، تأکید کرده که درهای این جبهه بر روی همه آن نیروها و شخصیت هائی که خود را موظف به دفاع از منافع ملی ی خلق لبنان احساس می کنند، برای همکاری گشوده است.

قرار داد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسمی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



پننگون در دریای مدیترانه هیستری جنگ را دامن میزند

ایالات متحده آمریکا بار دیگر اوضاع را در بخش مرکزی دریای مدیترانه بحرانی کرده است. در لحظه کنونی آمریکا بیش از سی کشتی از ناوگان ششم خود و از جمله ناو هواپیمایی "آیزنهاور" را در این منطقه متمرکز کرده است. موافق نقشه های نظامیان آمریکایی، هواپیما های این ناو باید در حبل سواحل لیبی پرواز در آیند. "تاس" خبرنگاری اتحاد شوروی، خبر می دهد که صحبت بر سر تهدید مستقیم لیبی از جانب آمریکا است. اما تشدید حضور نظامی آمریکا در دریای مدیترانه تنها کشور لیبی را تهدید نمی کند. منافع ملی و امنیت دیگر کشورهای منطقه نیز در معرض خطر بسیار بخدی قرار گرفته است.

جلسات شورای مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین در تونس

شورای مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین طی جلسات خود در تونس، مسائل جاری و اوضاع خاور نزدیک را مورد بررسی قرار داد. نشست فوق العاده ای که بریاست خالد الفهم، رئیس شورای ملی فلسطین، تشکیل شد، یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی "ساف"، نیز شرکت داشت. بطوریکه خبرگزاری فلسطینی "وفا" اطلاع می دهد، در این نشست وضع اهالی مناطق عربی اشغال شده توسط اسرائیل، مناسبات بین المللی "سازمان آزادی بخش فلسطین" و همچنین مسائل دیگر، در دستور کار بوده است. "وفا" گزارش می دهد، که جو جلسات حاکی از کوشش برای حفظ وحدت در جنبش فلسطین بوده است. کمیته اجرایی "سازمان آزادی بخش فلسطین" تأیید یافت، که یک کمیسیون ویژه تشکیل دهند، که وظیفه آن قطع مداخلات داخلی در سازمان "الفتح" خواهد بود.

دعوت برای چهارمین روز اعتراض در شیلی

در شیلی سازمان مخالف دولت بنام "پردن" که بنارتگی پایه گذاری شده، خواهان استعفای پینوشه، دیکتاتور شیلی، گردیده است. دیگو پرتالس، دبیر کل سازمان "پردن" چند روز پیش مجدداً خواهان احیاء "دموکراسی" در کشور شد. او از مردم شیلی دعوت

کرد، که در روز یازدهم اوت که بعنوان چهارمین روز اعتراض اعلام شده است، بطور فعال در راه پیمائی ها و مراسم دیگری که برگزار میشود شرکت کنند.

رئیس سکوئل، رئیس فرماندهی ملی کارگران و اتحادیه کارگران معادن مس شیلی، پیشنهاد کرده است که در مورد بازگشت دموکراسی یک همه پرسی در کشور سازمان داده شود. در کلیسای الوهار پسا، چهل نفر دست به اعتصاب غذا زدند، تا با پدینوسیه اعتراض خود را نسبت به رژیم ترور در شیلی ابراز دارند.

فرستاده رژیم السالوادور با ماخیم بگین ملاقات کرد

بگین نخست وزیر اسرائیل، هیئت نمایندگی رژیم تروریستی السالوادور را بحضور پذیرفت. خوزه گورو، رئیس این هیئت نمایندگی، پس از این دیدار گفت، که طی آن تقویت مناسبات دو جانبه مورد موفقت قرار گرفته است. بگین هیئت نمایندگی را با ذوق و شوق بسیار صمیمانه پذیرا شده است. اسرائیل ساهماست، که از ارسال کنندگان اصلی سلاح برای رژیم های دیکتاتوری آمریکای مرکزی است. نیروهای مسلح رژیم السالوادور حدود ۸۰ درصد سلاحهای وارداتی خود را از اسرائیل دریافت می دارند. دزد سامبر سال گذشته دولت اسرائیل با هندوراس هم موافقت نامه، که نظامی امضا کرد.

چهل میلیون آمریکایی گرسنگی میکشند

ارنست مریال، شهردار نیوارلثان، طوسی کنفرانسی در واشنگتن پایتخت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد، که چهل میلیون تن از شهر وندان آمریکایی نمی توانند در شیان روز سه وعده غذا بخورند. او که پیرامون "گرسنگی در شهرهای آمریکا" صحبت می کرد، افزود که گرسنگی در آمریکا ابعاد غیر قابل تصویری بخود گرفته است.

علت دامنه دار تر شدن گرسنگی کاهش بودجه های مربوط به امور اجتماعی از جانب دولت است، که در عین حال ارقام عظیمی را به امر تسلیحات اختصاص میدهد و بیکاری عمومی را پیوسته گسترده تر میکند. عده کسانی که مجبورند، به صف دریافت کنندگان یک وعده سوپه مجانی به پیوندند، روز بروز بیشتر میشود. در واشنگتن، او وسط هفته گذشته پانزده هزار نفر از اهالی نیازمند مجبور بودند، سلفات طولانی در صفوف بی پایان جلوی ۱۶ کلیسا در انتظار بمانند، که قرار بود غذای رایگان توزیع کنند. بسیاری از گرسنگان از ساعت هفت و نیم صبح با بردباری صف کشیده بودند، تا حوالی ظهر چیزی برای سد جوع به آنان داده شود.

د افغانستان محصولات صنعتی ده درصد افزایش یافته است

محصولات صنعتی افغانستان در سه ماهه اول سال جاری ۱۳۴۲ در مقایسه با سال گذشته، ده درصد افزایش یافته است. این مسئله بد نبال یک جلسه شورای وزیران، که نتایج فعالیت های اقتصادی و صنعتی در کشور را مورد بررسی قرار داده بود، اعلام گردید. در این جلسه همچنین گفته شد، که در امور حمل و نقل و کشاورزی نیز موفقیت های چشمگیری نصیب جمهوری دموکراتیک افغانستان گردیده است.

جرانخ دلار بالا می رود؟

بقیه از صفحه ۱۴

و دیگر کشورهای سرمایه داری، برای اینکه اندازهای جلوی تردید رشد یابنده در بازارهای ارزی را سد کنند مجبور شدند بطور دامت داری برای حفظ نرخ برابری ارزهای ملی خود وارد عمل شوند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در برمن هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

برمن ۱۵۰۰ مارك بابك (برلن غربی) ۱۵۰ مارك

RAHE TUDEH

No. 54

Friday, 12 Aug. 83

Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Table with 3 columns: Price, Location, and Amount. Includes entries for England, West-Germany, France, Austria, Belgium, Italy, U.S.A., and Sweden.

